



دیدگاه‌های اقتصادی آئین بهائی در مورد:

# اقتصاد آینده

مجموعه‌ای از آثار بهائی



بیع شمس

# اقتصاد آینده

مجموعه‌ای از آثار بهائی

مؤلف: بدیع شمس

تدوین متن فارسی: فاروق ایزدی‌نیا

## آنچه در این مجموعه ملاحظه می‌کنید

- 1 ..... دیباچه
- 2 ..... 1. کاربرد تعالیم اقتصادی در مسائل امروز
- 2 ..... 2. اتحادیه جهانی بهائی
- 4 ..... 3. نظام اقتصادی بهائی
- 5 ..... 4. اقتصاد الهی
- 5 ..... 5. منابع اقتصادی
- 6 ..... 6. تعرفه‌ها و سایر موانع اقتصادی
- 6 ..... 7. اصلاحات اقتصادی
- 7 ..... 8. واحد پول جهانی
- 7 ..... 9. مسائل اقتصادی
- 7 ..... الف) ماهیت و علل مسائل اقتصادی
- 8 ..... ب) راه حل مسائل اقتصادی
- 9 ..... 10. نقش حکومت در امور اقتصادی
- 10 ..... 11. انسان فقط عامل تولید نیست
- 10 ..... 12. مساوات
- 11 ..... 13. مراتب و استعدادهای متفاوت انسان
- 12 ..... 14. حرف و صنایع
- 12 ..... کار و حرفه
- 13 ..... فنون، هنرها و صنایع
- 13 ..... 15. زراعت و زارع
- 14 ..... 16. سرمایه‌دار و سرمایه‌داری
- 14 ..... 17. کارگران و صنعت
- 14 ..... رنجبران و کارگران کارخانه
- 15 ..... کارخانه - سود و سهام
- 15 ..... دستمزدها
- 15 ..... نمایندگان طبقات دستمزدبگیر
- 16 ..... 18. اتحادیه‌های صنفی
- 16 ..... 19. بازنشستگی
- 16 ..... 20. مستمری
- 16 ..... 21. مسأله اعتصاب
- 18 ..... 22. مسأله اشتراکیون
- 18 ..... 23. بی‌کاری
- 18 ..... 24. بردگی صنعتی
- 19 ..... 25. علم و فناوری
- 19 ..... 26. استفاده از دانش فنی

20	..... اتلاف منابع در جنگ	27
21	..... مخازن عمومی و مالیات	28
21	..... مخزن عمومی (قریه)	
21	..... مخزن عمومی (مدینه)	
21	..... مخزن عمومی (واردات)	
22	..... مخزن عمومی (مصارف)	
23	..... صندوق ملى	
23	..... انجمن اَمنا	
23	..... 29. احتكار	
23	..... 30. مالیات	
24	..... 31. نرخ بهره	
24	..... 32. ثروت و غنا	
25	..... توزیع ثروت	
25	..... تحديد ثروت	
25	..... 33. اعتدال	
26	..... 34. رفاه و آسایش	
26	..... 35. فقرا و محتاجان	
28	..... 36. خیریه و اوقاف	
29	..... 37. زکات	
29	..... 38. مواسات اعظم از مساوات	
29	..... 39. مدنیت الهیه	
30	..... 40. انقطاع	
31	..... 41. عدالت	
32	..... 42. ارث	
33	..... 43. حقوق الله	
35	..... 44. بحران عظیم اقتصادی	
35	..... 45. رقابت	
35	..... 46. نظم و تعادل عالم	

## دبیاجه

مقصود از جمع‌آوری آثار مبارکه در این مجموعه که از سال 1979 شروع شد، استفاده از آنها در مطالعه تحقیقی نگارنده در مورد □ تعالیم بهائی در خصوص علم اقتصاد □ بود. تعالیم مبارکه در مورد این موضوع مهم در آثار امریه بسیار پراکنده است. سعی شده، حتی‌المقدور این مطالب طبقه‌بندی شود؛ اما این امر نیز کاری بسیار دشوار بود، چه‌که هدایات عرضه شده در آنها بسیار کلی و عمومی است و قرار دادن آنها تحت یک عنوان در بسیاری از موارد موجه به نظر نمی‌آید.

مسأله اقتصاد در این ایام بسیار حاد است و هرگز به اندازه امروز احتیاج به حل مسائل اقتصادی احساس نمی‌شود. احدی از ممالک عالم، به هر مکتب اقتصادی که متعلق و وابسته و در زمره کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه باشد، نمی‌تواند این حقیقت را انکار نماید که هدف اصلی حل مسائل اقتصادی خودش است.

هرگز چنین احتیاج مبرم به داشتن درکی عمیق‌تر و بیشتر در تعالیم امر بهائی در مورد این موضوع وجود نداشت، چه‌که عامه ناس به نحوی دائم‌التراید مشتاق یافتن راحل‌هایی هستند که در آثار بهائی موجود و مکنون است.

امید این است که بعد از ملاحظه این آثار بدیعه در خصوص این موضوع، بتوانید وضعیت فعلی اقتصاد عالم را تجزیه و تحلیل نمایید و آنچه را که امر بهائی عرضه می‌نماید مورد تقدیر قرار دهید.

وظیفه خود می‌دانم که به ساحت بیت‌العدل اعظم محبوب و دارالتحقیق بین‌المللی، که بدون مساعدت، هدایت و اصلاحات آنها این مجموعه هرگز نمی‌توانست به وجود آید، مراتب امتنان و سپاسگزاری خود را تقدیم نمایم.

بدیع شمس

Baha'i Inspired Economics  
badishams.net

## 1. کاربرد تعالیم اقتصادی در مسائل امروز

حضرت ولی امر الله می‌فرماید: □ ابتدا ما باید تعالیم اقتصادی را با توجه به مسائل امروز، به نحو اکمل، مورد مطالعه قرار دهیم تا بتوانیم از آنچه که مؤسّسین امر الهی بیان کرده‌اند، نه از آنچه که به حدس و گمان از آثار آنها استنباط می‌کنیم، دفاع نماییم. بین بررسی و بیان یک اصل عمومی عظیم با یافتن نحوه استفاده از آن در شرایط واقعی تفاوت عظیم وجود دارد. □ (ترجمه — *Directives from the Guardian*، ص 20)

حضرت ولی امر الله می‌فرماید: □ هر قانونی و هر مکتب سیاسی و اقتصادی فقط برای آن خلق شده که حافظ منافع بشری، من حیث المجموع باشد و برای آن نیست که بشر برای حفظ آنها فدا شود. □ (نظم جهانی بهائی، ترجمه هوشمند فتح اعظم، ص 59 / ترجمه‌ای متفاوت در پیام و عده صلح جهانی، بند 24 به نقل از کتاب □ بهاء الله و عصر جدید □، طبع برزیل، صص 306 — 305 درج است.)

حضرت ولی امر الله می‌فرماید: □ تعالیم حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء فاقد راحل‌های صریح و مفصل برای کلیه این قبیل مسائل اقتصادی است که اکثراً به حیطة اقتصاد تخصصی مربوط می‌شود و به عبارت دقیق‌تر مستقیماً به امر مبارک ربطی ندارد. اگر چه بعضی اصول هدایت‌کننده در آثار مبارکه بهائی در خصوص اقتصاد وجود دارد، اما این اصول به هیچ وجه کلّ رشته اقتصاد نظری و عملی را تحت پوشش قرار نمی‌دهد و عمدتاً مقصود از آن‌ها هدایت بیشتر برای متخصصان و نویسندگان اقتصادی بهائی است تا نظامی اقتصادی را ابداع نمایند که در انطباق تامّ با روح و مفاد آثار مبارکه امر الله در این زمینه و مواضع مشابه عمل نماید. بیت‌العدل عمومی با مشورت متخصصین اقتصادی، در آئیه ایام به تدوین و ابداع نظام اقتصادی آینده بهائی مساعدت خواهد کرد. اما یک موضوع مسلم است و آن این که امر مبارک نه نظریه‌های اقتصادی سرمایه‌داری را به طور کامل می‌پذیرد، نه می‌تواند با مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها در نفی اصل مالکیت شخصی و حقوق مقدسه حیاتی فرد موافق باشد. □ (ترجمه — مکتوب 10 ژوئن 1930 از طرف حضرت ولی امر الله به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره 1860)

حضرت ولی امر الله می‌فرماید: □ در آثار مبارکه در این زمینه و بسیاری از مواضع دیگر که الیوم اذهان اهل عالم را متحیر و سرگردان ساخته اشاره زیادی مشاهده نمی‌شود. آنچه که در وهله اولی مطمح نظر قرار دارد روح مقدسی است که باید در حیات اقتصادی نافذ باشد و این روح تدریجاً در تشکیلات و اصول معینی متبلور خواهد شد که به ایجاد شرایط مطلوبی که حضرت بهاء الله پیش‌بینی فرموده‌اند کمک خواهد کرد. □ (ترجمه - مکتوب 20 دسامبر 1931 از طرف حضرت ولی امر الله به محفل روحانی ملی ایالات متّحده و کانادا؛ اخبار امری آمریکا، شماره 90، مارس 1935، صفحه 2 / انوار هدایت، شماره 1864)

## 2. اتحادیه جهانی بهائی

حضرت ولی امر الله می‌فرماید: □ مقصود از حکمت مکنونه آن‌که نهایتاً عناصر متخاصم جامعه بشری را در یک اتحادیه واحد، اساساً متّحد و منسجم جهانی به یکدیگر ملحق سازد. □ (ترجمه — تلگراف 12 مه 1945، مندرج در *Messages to America*، ص 80)

حضرت ولی امر الله می‌فرماید: □ ... این رسمیت به مرور ایام به تأسیس سلطنت الهیه و احراز حقوق و اختیارات تامّه مخصوصه میدل گردد و بالمآل به استقرار سلطنت جهانی بهائی ... انتهى پذیرد. □ (ظهور عدل الهی، طبع 132 بدیع، ص 32)

حضرت ولی امرالله می‌فرماید: □ دیگر اتخاذ وسائل و تمهیدات لازمه و اشتراک مساعی در سبیل حفظ و صیانت امرالله در قبال حملات و تعرضات حتمیه‌ای که به تدریج از جانب دوائر و احزاب مختلفه مذهبی مجتمعاً و متشکلاً نسبت به امر مبین و شرع حضرت رب العالمین به عمل خواهد آمد و کلّ به جمیع قوئی به مقاومت برخوانند خاست. دیگر مسائل متنوعه و محظورات و مشاکل عظیمه و مسئولیت‌های کثیره متزایده که جامعه اسم اعظم با آن مواجه بوده و بایستی بر یک یک از آنها تفوق حاصل گردد و به کمال متانت و اتقان مقابلی شود تا امر ستمدیده الهی بتواند مراحل مقدره محتومه را متتابعاً مترادفاً طی نماید یعنی دوره مجهولیت منقضی شود و مرحله مظلومیت و مقهوریت سپری گردد و انفصال شریعه‌الله از ادیان منسوخه عتیقه رخ گشاید و علم استقلال دین‌الله بلند گردد و مساوات پیروان امر جمال اقدس ابهی با تابعان ادیان سائره، که ممهّد سبیل از برای رسمیت آئین الهی است، تصدیق و اعلام شود و این رسمیت به مرور ایام به تأسیس سلطنت الهیه و احراز حقوق و اختیارات تامه مخصوصه مبدل گردد و بالمآل به استقرار سلطنت جهانی بهائی، که مؤید به تأییدات لاریبیه بزدانی و مروّج تعالیم مقدسه ربّانی و مجری احکام و اوامر منصوصه منزله از سماء مشیت سبحانی است، انتها پذیرد. □ (ظهور عدل الهی، طبع 132، صص 32 — 31)

حضرت ولی امرالله در توقیع مبارک □ قد ظهر یوم المیعاد □ می‌فرماید: □ بنیان نظم بدیع جهانی که اکنون در رحم مؤسسات اداری که خود آن حضرت پدید آورده، در جنبش و حرکت است و نمونه و هسته مرکزی آن هیأت جمعیت جهانی خواهد شد که سرانجام قطعی و حتمی امم و ملل ارض است. □ (ترجمه توقیع مبارک، طبع 104 بدیع، ص 188)

حضرت ولی امرالله می‌فرماید: □ ... و چون این صرح مشید که دروه اعلاّی ظهور جامعه جهانی بهائی و مبشر استقرار ملکوت الهی در عالم انسانی است، بنیان گردد و عصر ذهبی این دور امنع اقدس در آخر ایام رخ گشاید، آثار و اثمار بهیه این سدره رحمانیه آشکار و آیات و برکاتش بر جهان و جهانیان واضح و لائح خواهد گردید. □ (قرن بدیع، طبع کانادا، ص 85)

حضرت ولی امرالله می‌فرماید: □ هرچه اصالت و قدرتی که حضرت بهاءالله به جامعه متحدالمرام آینده بهائی فرموده واضح‌تر و معلوم‌تر شود، هجوم حملات به حقائق مکنونه‌اش شدیدتر خواهد شد. □ (نظم جهانی بهائی، ترجمه هوشمند فتح اعظم، ص 25)

حضرت ولی امرالله می‌فرماید: □ چون دین بهائی در جمهور خلائق شرق و غرب نفوذ نماید و حقانیتش به قبول اکثریت مردم بعضی از کشورهای مستقل جهان در آید آن وقت بیت‌العدل اعظم به دروه قدرت و سلطه خود خواهد رسید و به عنوان اعلاّی مقام ممالک متحدالمرام بهائی جمیع حقوق و وظائف و مسئولیت‌های متعلق به یک حکومت علیای جهانی را به عهده خواهد گرفت. □ (نظم جهانی بهائی، ص 11)

حضرت ولی امرالله می‌فرماید: □ با حصول این عطیه عظمی [استقرار رس اطهر حضرت ورقه مبارکه علیا] قدم اول در سبیل استقرار مرکز اداری جامعه جهانی بهائی در سرزمینی که مورد تجلیل و احترام پیروان سه دیانت عظیمه الهیه است، برداشته شد. مرکزی که در مستقبل ایام در جوار مرکز روحانی این امر مقدس به انجام وظائف خطیره مألوف خواهد گردید و هرگز از آن مرکز نورا و بقعه علیا انفکاک نخواهد پذیرفت. □ (قرن بدیع، طبع کانادا، ص 700)

حضرت ولی امرالله می‌فرماید: □ ما که نسل این دوره سایه روشنیم، در زمانی زندگی می‌کنیم که می‌توان گفت جامعه متحده جهانی موعود حضرت بهاءالله تازه به رشد جنینی خویش پرداخته است. ملاحظه فرمائید در چنین زمان خطیری چه وظیفه سنگینی بر دوش ما نهاده‌اند که نه قدر و منزلتش را کما هو حقّه ادراک و نه چنان که باید سختی و سنگینی‌اش را احساس توانیم کرد. □ (نظم جهانی بهائی، ص 104)

حضرت ولی امرالله می‌فرماید: □ امری که حضرت بهاءالله اعلان فرموده ... ثابت کرد که ادعایش و عنوانش دین جهانی است و مقصدش ایجاد یک جامعه متحدالمرام عالمگیر است که در میقات معین تأسیس نماید. جامعه‌ای که هم موجود و هم حافظ صلح اعظمی است که حضرت بهاءالله اعلان فرموده. □ (نظم جهانی بهائی، ص 154)

حضرت ولی امرالله می‌فرماید: □ سیر تجزّی و تلاشی جاری گردد و نفوذ فاسدکننده‌اش هر روز عمیق‌تر شود و در ارکان این عصر متزلزل رسوخ نماید و هنوز مصائب دردناک بیشتری لازم است تا کشورهای متخاصم و اصول و عقاید متناقض و طبقات و نژادهای مختلف را در کوره بلیات عمومی ذوب نماید و در قالب مصیبات شدید ریزد و از آنها جامعه متحدالمرامی به وجود آورد که با نظامی متحد و هم‌آهنگ کار کند. □ (نظم جهانی بهائی، ص 140)

حضرت ولی امرالله می‌فرماید: □ شکل نهائی بیان‌نامه و اساس‌نامه محفل روحانی ملی ایالات متحده شرح و تفصیلی باارزش و معتبر بر اساس قانون اساسی جوامع بهائی در جمیع اقالیم است که میسر ظهور نهائی جامعه متحدالمرام آتی بهائی می‌باشد. □ (ترجمه — *Baha'i Administration*، ص 135)

حضرت ولی امرالله می‌فرماید: □ این مرحله غایی جامعه متحد جهانی که عالی‌ترین حد کمال نقشه‌ای است که ذات الهی بنفسه برای عالم بشری مقدر فرموده است، فی‌نفسه ثابت خواهد کرد که آیتی از ولادت مدنیت جهانی است که از لحاظ ابعاد، خصوصیات و قوای مکنونه در تاریخ بشری بی‌مثیل و عدیل است. □ (ترجمه — عالم بهائی، ج 11، ص 138 / *Messages to the Bahá'í World*، ص 155)

### 3. نظام اقتصادی بهائی

حضرت ولی امرالله می‌فرماید: □ عملاً تعالیم تخصصی در خصوص اقتصاد، از قبیل بانکداری، نظام قیمت‌ها و سایر موارد در امر مبارک وجود ندارد. امر الهی نظام اقتصادی نیست و شارعین را نیز نمی‌توان اقتصاددانان متخصص تلقی کرد. تأثیر امر مبارک در این موضوع اساساً غیر مستقیم است زیرا شامل کاربرد اصول روحانیه در نظام اقتصادی امروز است. حضرت بهاءالله اصول اساسی معدودی را به ما عنایت کرده‌اند که باید در تأسیس مشروعاتی که روابط اقتصادی عالم را اصلاح خواهد کرد راهنمای اقتصاددانان بهائی آینده باشد. □ (ترجمه — مکتوب 25 ژانویه 1936 از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء؛ اخبار امری آمریکا، شماره 103، اکتبر 1936، صفحه 2/ انوار هدایت، شماره 1868)

کاتب حضرت ولی امرالله از طرف هیکل مبارک مرقوم داشته است: □ در ارتباط با تمایل شما به تجدید سازمان امور تجارتی خود طبق موازین امری، حضرت ولی امرالله عمیقاً روحی که اتخاذ چنین طریق پیشنهادی را به ذهن شما متبادر ساخته است مورد تقدیر قرار می‌دهند. مع‌هذا، ایشان معتقدند هنوز زمان مقتضی فرا نرسیده است که نفسی از یاران چنین تحولی اساسی را در ساختار اقتصادی جامعه هر قدر که میدان برای چنین تجربه‌ای محدود باشد، پدید آورد. تعالیم اقتصادی امر مبارک، اگرچه در رئوس مطالب کاملاً معلوم و مشهود است، اما هنوز آنچنان که باید و شاید تدوین و تشریح نشده که نفسی بتواند آنها را در مقیاسی محدود، به نحوی دقیق و کامل محلّ استفاده قرار دهد. □ (ترجمه — *Directives from the Guardian*، صص 20 — 19)

حضرت ولی امرالله می‌فرماید: □ بیت‌العدل عمومی با مشورت متخصصین اقتصادی، در آتیه ایام به تدوین و ابداع نظام اقتصادی آینده بهائی مساعدت خواهد کرد. اما یک موضوع مسلم است و آن این که امر مبارک نه نظریه‌های اقتصادی سرمایه‌داری را به طور کامل می‌پذیرد، نه می‌تواند با مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها در نفی اصل مالکیت شخصی و حقوق مقدسه حیاتی فرد



موافق باشد. □ (ترجمه — مکتوب 10 ژوئن 1930 از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احناء / انوار هدایت، شماره 1862)

حضرت ولی امرالله می فرماید: □ در آثار مبارکه در این زمینه و بسیاری از مواضع دیگر که الیوم اذهان اهل عالم را متحیر و سرگردان ساخته اشاره زیادی مشاهده نمی شود. آنچه که در وهله اول مطمح نظر قرار دارد روح مقدسی است که باید در حیات اقتصادی نافذ باشد و این روح تدریجاً در تشکیلات و اصول معینی متبلور خواهد شد که به ایجاد شرایط مطلوبی که حضرت بهاءالله پیش بینی فرموده اند کمک خواهد کرد. □ (ترجمه — مکتوب 20 دسامبر 1931 از طرف حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی ایالات متحده و کانادا؛ اخبار امری آمریکا، شماره 90، مارس 1935، صفحه 2 / انوار هدایت، شماره 1864)

حضرت ولی امرالله می فرماید: □ حضرت بهاءالله نظام کامل اقتصادی برای عالم نیاروده اند. سهیم کردن کارکنان در سود به عنوان راه حلی برای یک شکل از مسائل اقتصادی توصیه شده است. در تعالیم مبارکه مطلبی دال بر نفی نوعی نظام سرمایه داری وجود ندارد اما شکل فعلی آن مستلزم اصلاحاتی است که باید انجام شود. □ (ترجمه — مکتوب 19 نوامبر 1945 از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احناء؛ اخبار امری آمریکا، شماره 210، اوت 1948، صفحه 3 / انوار هدایت، شماره 1869)

کاتب حضرت ولی امرالله از طرف هیکل مبارک نوشته است: □ در رابطه با فعالیت های لجنه ملی امور اقتصادی، حضرت ولی امرالله تمایل بعضی از اعضاء لجنه را برای یافتن طرق و وسائل عملی ساختن تعالیم اقتصادی بهائی که در بعضی از آثار و بیانات ضبط شده حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء توضیح داده شده، کاملاً درک می کنند. اما هیکل مبارک معتقدند که زمان برای این قبیل اقدامات و فعالیت ها هنوز مقتضی نیست. □ (ترجمه — Directives of the Guardian، ص 21)

#### 4. اقتصاد الهی

حضرت ولی امرالله می فرماید: □ آیا نفس این قوای وحدت انگیزی که در این عصر به کار افتاده است مستلزم آن نیست که او، که امروز حامل پیام خداوند است، باید هم آن اصول عالییه اخلاقی را که پیغمبران سابق برای افراد بشر ترویج کرده اند تأیید نماید و هم اصولی را در آئین اجتماع و سیاست الهی در اظهار امرش به تمام دول و ملل بگنجاند که جهت اداره عالم امروز لازم است و بتواند بشر را در تأسیس یک حکومت فدرال جهانی که مقدمه تأسیس ملکوت خدا در این دنیا باشد، هدایت نماید؟ □ (نظم جهانی بهائی، ص 81)

حضرت عبدالبهاء می فرماید: □ همچنین مسأله اقتصاد بهائی نهایت آرزوی عمال و منتهی مقصد احزاب اقتصاد است. □ (لوح مبارک خطاب به پروفیسور فورل، مکاتیب عبدالبهاء، ج 3، ص 490)

حضرت ولی امرالله می فرماید: □ مقصود از عبارت "حل مسائل اقتصادی ماهیت الهی دارد" این است که فقط دیانت، به عنوان آخرین ملجأ و پناه، قادر است در طبیعت انسان چنان تحوّل اساسی ایجاد کند که او را به اصلاح روابط اقتصادی جامعه قادر سازد. تنها به این طریق است که انسان می تواند قوای اقتصادی را که اساس موجودیت او را تهدید به تخریب می نماید، اصلاح نماید و به این ترتیب سلطه خویش بر قوای طبیعت را ظاهر و مدلل سازد. □ (ترجمه — مکتوب 26 دسامبر 1935 از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احناء / انوار هدایت، شماره 1871)

#### 5. منابع اقتصادی

حضرت ولی‌ام‌الله می‌فرماید: □ منابع اقتصادی جهان تحت نظم در آید و از مواد خامش بهره‌برداری و استفاده شود؛ بازار فروشش توسعه و هماهنگی یابد و محصولاتش به طور عادلانه توزیع شود.

... نیروهای عظیمی که در راه جنگ‌های اقتصادی و سیاسی به هدر می‌رود از آن پس معطوف به اهداف لایقی از قبیل توسعه اختراعات و ترقی‌ات فنی و ازدیاد تولیدات و محصولات بشری و از‌الیه امراض و توسعه تحقیقات علمی و بالا بردن سطح صحت و تشحیذ و اعتلاء مغز و فکر بشری و بهره‌مندی از منابع بکر و ناشناخته کره زمین و درازی عمر انسان گردد و به ترویج هر وسیله‌ای که حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع انسان را تقویت کند پردازد.

در چنان جامعه‌ای یک نظام فدرالی جهانی برقرار گردد که بر جمیع بلاد حکومت نماید و فرمانروای بلامنازع منابع بسیار عظیمش باشد و مرام‌های عالیّه شرق و غرب را در بر گیرد و طلسم جنگ و بدبختی را بشکند و به استفاده از جمیع منابع موجود در زمین راغب باشد. در چنان نظامی زور خادم عدل و داد شود و بقایش متکی باشد بر شناسایی خداوند یگانه و پیروی از یک دین عمومی. این است هدف و مقصدی که نوع انسان ناگزیر بر اثر نیروهای وحدت‌بخش حیات به سویش روان است. □ (نظم جهانی بهائی، ص 156)

حضرت بهاء‌الله می‌فرماید: □ سبحان‌الله! امر عجیبی مشاهده گشت. برق یا مثل آن مطیع قائد است و به امر او حرکت می‌نماید. تعالیٰ أَلْقَادِرُ الَّذِي أَظْهَرَ مَا أَرَادَ بِأَمْرِهِ الْمُحْكَمِ الْمُتَيْنِ. یا أهل بهاء، او امر منزله هر یک جصنی است محکم از برای وجود. إِنَّ أَلْمَظْلُومَ مَا أَرَادَ إِلَّا حَفْظَكُمْ وَارْتِقَانَكُمْ. " (کلمات فردوسیّه، مجموعه اشراقات، ص 124)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ عالم انسانی از هر لحاظ در حال تحوّل است. احکام و قوانین دول و مدنیت‌های سالفه در جریان تجدید نظر است؛ نظرات و عقاید علمیه در حال توسعه و ترقی است تا با سلسله وقایع جدیدی مقابل گردد؛ اختراعات و اکتشافات در حال نفوذ و رسوخ در عوالمی هستند که تا به حال مجهول بوده و بدایع جدید و اسرار مکنونه عالم مادی را مکشوف می‌سازد. صنایع از ابعاد کاملاً عظیمی برخوردار شده و بر تولیدات افزوده است. در جمیع نقاط عالم بشری نظریه‌های فعالیت تکاملی مشهود است که بر منقضی شدن شرایط قدیمه و ظهور عصر جدید اصلاحات دلالت دارد. □ (ترجمه — خطابه 17 نوامبر 1912 / The Promulgation of Universal Peace، ص 439)

## 6. تعرفه‌ها و سایر موانع اقتصادی

حضرت ولی‌ام‌الله می‌فرماید: □ وطن‌پرستی کوتاه‌نظرانه و ظالمانه مبتنی بر مطالبه خودمختاری که مولود جنگ جهانی بود و سبب شد که تعرفه‌های گمرکی سنگین وضع گردد و به جریان سالم تجارت بین‌المللی و دستگاه مالی عالم لطمه‌ای شدید وارد آورد، بر کسی پوشیده نیست و فقط معدودی قلیل ممکن است آن را نپذیرند. □ (نظم جهانی بهائی، ص 48)

و نیز در همان توقیع منبع می‌فرماید: □ در چنین جامعه جهانی جمیع موانع اقتصادی به کلی از میان خواهد رفت. سرمایه و کار عواملی لازم و ملزوم یکدیگر به شمار خواهد آمد. □ (نظم جهانی بهائی، ص 55)

## 7. اصلاحات اقتصادی

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ 7 می 1912 می فرماید: □ اصل یا تعلیم چهارم حضرت بهاءالله اصلاح و تساوی موازین اقتصادی عالم انسانی است و این به مسأله معیشت بشر مربوط می شود. معلوم و واضح است که تحت نظام ها و شرایط فعلی فقراء میتلا به احتیاج و مشقت عظیم هستند در حالی که سایرین از غنای بیشتر برخوردار و در تجمل و فراوانی، که به مراتب مزید بر معیشت ضروری حقیقی آنها است، زندگانی می کنند. □ (ترجمه — *Promulgation of Universal Peace*، ص 107)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک 19 می 1912 می فرماید: □ با عدالت عظیم مظهر ظهور الهی، به فقرای عالم اجر آنها داده خواهد شد و کاملاً مساعدت خواهند گردید و در شرایط اقتصادی نوع بشر اصلاحاتی صورت خواهد گرفت به نحوی که در آتیه ایام دیگر نفسی در منتهای غنا و ثروت و نفسی در منتهای فقر و مشقت وجود نخواهد داشت. □ (ترجمه — *Promulgation of Universal Peace*، ص 132)

حضرت عبدالبهاء در خطابه دوم جون 1912 می فرماید: □ اصلاح قوانین اقتصادی برای معیشت بشری باید به نحوی تنفیذ و اجرا گردد که تمام نوع بشر به نسبت مراتب خود در نهایت راحت و آسایش زندگانی کنند. □ (ترجمه — *Promulgation of Universal Peace*، ص 170)

حضرت عبدالبهاء در خطابه 8 جون 1912 می فرماید: □ امر تعدیل معیشت بسیار مهم است و تا این مسأله تحقق نیابد سعادت برای عالم بشر ممکن نیست. □ (خطابات مبارکه، ج 2، ص 148)

## 8. واحد پول جهانی

حضرت ولی امرالله در توفیق منبع □ تولد مدنیت جهانی □ می فرماید: □ ... یک نظام مشترک برای پول و اوزان و مقادیر تعیین شود و روابط و تفاهم بین نژادهای متنوع و ملل جهان را ساده و سهل نماید. □ (نظم جهانی بهائی، ص 155)

## 9. مسائل اقتصادی

### الف) ماهیت و علل مسائل اقتصادی

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک که در سال 1912 در مونترال کانادا ایراد شده است، می فرماید: □ به نظر می رسد که جمیع کائنات می توانند بنفسهم به تنهایی وجود داشته باشند. فی المثل، شجر می تواند در وحدت و خلوت در وادی یا مرغزاری یا در دامنه کوهی وجود داشته باشد. حیوانی که در کوه به سر می برد یا پرنده ای که در هوا پرواز می کند، می توانند به تنهایی زندگی کنند. آنها به تعاون یا تعاضد احتیاجی ندارند. چنین موجودات حی از نهایت راحتی و سعادت در حیات تنهایی خود برخوردارند. بالعکس، انسان نمی تواند به تنهایی و در خلوت زندگی کند. او محتاج تعاون مداوم و مساعدت متقابل است. فی المثل، انسانی که در بیابان زندگی می کند، مآلاً گرسنه خواهد شد. او ابدأ نمی تواند به تنهایی، بدون مساعدت احدی، تمام احتیاجات خود را فراهم آورد؛ لهذا، به تعاون و تعاضد محتاج است. □ (ترجمه — *Foundations of World Unity*، ص 38)

و نیز حضرت عبدالبهاء می فرماید: □ اگرچه هیأت اجتماعی عبارت از عائله واحده است، مع هذا به علت فقدان روابط هم آهنگ، بعضی از اعضاء راضی و بعضی دیگر گرسنه هستند؛ بعضی اعضاء ملبوس به البسه تمینه اند و بعضی از اعضاء عائله محتاج به غذا و ملجأ و پناه. علت چیست؟ علت آن است که این عائله فاقد رابطه متقابل لازم و توازن است. این خانواده فاقد نظم و ترتیب لازم است. این عائله تحت قانون کامل زندگی نمی کند. کلیه قوانینی که وضع می شوند سعادت

را تضمین نمی‌کنند. آنها راحت و آسایش را تأمین ننمایند. لهذا، قانونی باید به این عائله داده شود که به وسیله آن کلیهٔ اعضاء خانواده از آسایش و سعادت برابر برخوردار شوند.

آیا امکان دارد که عضوی از عائله در نهایت درجه مشقت و فقر شدید باشد و بقیهٔ عائله راحت و آسوده باشند؟ این امکان ندارد مگر آن‌که آن اعضاء عائله فاقد احساس، ضعیف، بخیل، و نامهربان باشند. در این صورت خواهند گفت: "اگرچه اینها اعضاء یک عائله هستند، آنها را به حال خود رها کنید."

چنین بی‌توجهی در عائلهٔ انسانی منبعت از فقدان تسلط، فقدان قانون کار، فقدان محبت در این محیط است. اگر محبت نسبت به اعضاء عائله ابراز گردد، مطمئناً جمیع اعضاء آن از راحت و آسایش و سعادت بهره‌مند خواهند شد. □ (ترجمه — *Foundations of World Unity*، ص 38)

حضرت عبدالبهاء در مفاوضات می‌فرمایند: □ اما، سبب اصلی این مشکلات قوانین طبیعی مدنیت حاضره است. زیرا نتیجهٔ این قوانین این‌که نفوسی معدود بیش از لزوم ثروت بی‌پایان یابند و اکثری برهنه و عریان و بی‌سر و سامان مانند. □ (مفاوضات عبدالبهاء، ص 190)

حضرت عبدالبهاء در خطابهٔ مورخ 16 آوریل 1912 می‌فرمایند: □ هیأت عالم بشری مریض است. شفا و علاج آن عبارت از وحدت عالم انسانی است. حیات آن عبارت از صلح اعظم است؛ نورانیت و حیات آن عبارت از محبت است. □ (ترجمه — *Promulgation of Universal Peace*، ص 19)

حضرت ولی‌امرالله در توفیق منیع تولد مدنیت جهانی می‌فرمایند: □ نقشه‌های اقتصادی جهت بازسازی بسیار طرح شده و آنها را با دقت به مرحلهٔ اجراء در آورده‌اند. با وجود تمام این اقدامات، بحرانی از پس بحرانی دیگر، آن هم با چنان سرعتی وقوع یافته که جهان بی‌ثبات را به همان سرعت به حضيض فقر سوق می‌دهد. گودالی هولناک دهان گشوده تا همه را در یک بلایهٔ عمومی در کام خود فرو کشد و همه را در بر گیرد؛ چه از ملل مرقه باشند چه غیر مرقه، چه حکومت دموکراسی داشته باشند چه دیکتاتوری یا سرمایه داری و یا رنجبری، چه اروپایی باشند و چه آسیایی، چه مؤمن و چه کافر، چه سیاه و چه سفید... □ (نظم جهانی بهائی، ص 135)

#### ب) راه حل مسائل اقتصادی

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: □ ماهیت مبانی و اساس کلیه شرایط اقتصادی الهی و مرتبط با عوالم قلب و روح است. در تعالیم بهائی این موضوع کاملاً توضیح داده شده، و بدون وقوف بر اصول آن ابداً اصلاح وضعیت اقتصادی قابل حصول نیست. □ (ترجمه — *Promulgation of Universal Peace*، ص 238)

حضرت عبدالبهاء در خطابهٔ مورخ 23 جولای 1912 می‌فرمایند: □ امر بهائی کلیهٔ مسائل اقتصادی و اجتماعی را تحت عنوان و اجرای احکامش تحت پوشش دارد. جوهر و ذات روح بهائی این است که برای تأسیس و تثبیت نظم اجتماعی و شرایط اقتصادی بهتر، باید از قوانین و اصول حکومت تبعیت کرد. □ (ترجمه — *The Promulgation of Universal Peace*، ص 238)

حضرت عبدالبهاء ... می‌فرمایند: □ کلیهٔ مشاغل اقتصادی با به کار بردن علم محبت الهی حل می‌گردد. ولی این قانون طلایی را مردم به قیمت سرب هم قبول ندارند و بلکه آن زر ناب را از سرب سیاه هم پست‌تر می‌شمرند. زیرا برای سرب مورد استعمالی دارند، ولی این قانون عظیم طلایی را در طاقچه‌ای می‌گذارند و حتی گرد و خاکش را هم پاک نمی‌کنند.

مسائل اقتصادی جهان اگر حل نگردد، نوع انسان را به کلی نابود می‌سازد و اگر این قانون الهی به کار برده شود، زندگانی خانوادگی سراسر مملو از مسرت می‌گردد. البته اگر آن را چون موازین علمی در حل روابط بین‌المللی و ملی استعمال می‌کردند، در علائق بین سرمایه‌دار و کارگر و روابط بین غنی و فقیر آرامش کلی حاصل می‌نمود و پول و تجارت منظم می‌شد. آیا جای ادنی شکی هست که اگر این اصل به کار رود، سعادت انسانی محتوم گردد، سعادت که محال است به واسطه امور سیاسی به دست آید؟ □ (هوارد کلی آیواز، درگه دوست، ترجمه ابوالقاسم فیضی، ص 212)

## 10. نقش حکومت در امور اقتصادی

حضرت بهاءالله در لوح مبارک دنیا می‌فرماید: □ باید به اطلاع ایشان [حضرت سلطان آیده الله و حضرات علمای اعلام و امرای عظام] مقرری معین گردد و حضرات در آن مقر جمع شوند و به جبل مشورت تمسک نمایند و آنچه را سبب و علت امنیت و نعمت و ثروت و اطمینان عباد است معین فرمایند و اجرا دارند. □ (مجموعه الواح طبع مصر، ص 296)

جمال‌قدم در ورق هشتم از کلمات فردوسی می‌فرماید: □ آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده، باید امنای بیت عدل مشورت نمایند، آنچه را پسندیدند مجری دارند. □ (مجموعه اشراقات، ص 123/ دور بهائی، ص 81)

حضرت عبدالبهاء در خطابه‌ای در مونترال کانادا می‌فرماید: □ باید جمیع دول متفق شوند و یک مجلسی قرار دهند که اعضاء آن از پارلمان‌های ملل و اعیان منتخب گردد و آنها در نهایت عقل و اقتدار قرار بدهند که نه مالیون ضرر زیادی بکنند و نه عمل‌ها محتاج باشند. در نهایت اعتدال قانونی بنهند، بعد اعلان کنند که عمل‌ها حقوق‌شان در تحت تأمینات محکم است و همچنین حقوق مالیون حفظ می‌شود و چون این قرار عمومی به رضایت هر دو طرف مجری گردد، اگر اعتصابی اتفاق افتد جمیع دول عالم بالتام مقاومت کنند و الا کار به خرابی‌های زیاد می‌کشد. □ (خطابات مبارکه، ج 2، ص 125)

حضرت عبدالبهاء در مبحث "اعتصاب" کتاب مفاوضات می‌فرماید: □ مداخله قضا و حکومت در مشکلات حاصله بین اصحاب فبریق و عمله مداخله مشروعه است؛ مانند معامله عادی بین عمله و صاحبان کار جزئی نیست که خصوصی است و دخلی به عموم ندارد و حکومت را حق مداخله نیست. زیرا مسأله فبریق و عمله، هر چند مسأله خصوصی به نظر آید، ولی از مشکلات حاصله در مابین مضرت عمومی حاصل گردد. زیرا امور تجارت و صنعت و فلاحت، بلکه اشغال عمومی ملت، کل مرتب به یکدیگر است. اگر در یکی فتوری حاصل شود، مضرت به عموم رسد. لهذا مشکلات حاصله بین عمله و صاحبان فبریق سبب مضرت عمومی گردد و قضا و حکومت حق مداخله دارد. □ (مفاوضات عبدالبهاء، ص 226)

حضرت ولی‌امرالله در توفیق منبع تولد مدنیت جهانی می‌فرماید: □ یک نظام فدرال جهانی برقرار گردد که بر جمیع بلاد حکومت نماید و فرمانروای بلامنازع منابع بسیار عظیمش باشد و مرام‌های عالیة شرق و غرب را در بر گیرد و طلسم جنگ و بدبختی را بشکند و به استفاده از جمیع منابع موجود در زمین راغب باشد. در چنان نظامی، زور خادم عدل و داد شود و بقایش مٹکی باشد بر شناسایی خداوند یگانه و پیروی از یک دین عمومی. این است هدف و مقصدی که نوع انسان ناگزیر بر اثر نیروهای وحدت‌بخش حیات به سویش روان است. □ (نظم جهانی بهائی، ص 156 / ندا به اهل عالم، ص 79)

حضرت ولی‌امرالله می‌فرماید: □ این جامعه متحد جهانی تا جایی که می‌توان تصورش را نمود باید دارای یک هیئت مقتنه باشد که اعضایش به منزله امنای تمام نوع انسان بالمال جمیع منابع ملل آن جامعه جهانی را در اختیار خود گیرد و قوانینی را وضع کند که برای تنظیم حیات و رفع

حاجات و ترمیم روابط جمیع ملل و اقوام لازم و واجب است. در چنان جامعه‌ای یک هیأت مجریه به پشتیبانی یک نیروی پلیس بین‌المللی مصوبات هیأت مقننه را اجراء کند، به تنفیذ قوانینش پردازد و وحدت اصلیه تمام جامعه جهانی را حفاظت نماید و نیز یک محکمه جهانی تشکیل شود که تمام دعاوی حاصله بین عناصر مرگبه این نظام جهانی را داوری کند و حکم نهائی و لازم‌الاجرایش را صادر نماید. یک دستگاه ارتباطات و مخابرات بین‌المللی به وجود آید که با سرعتی حیرت‌انگیز و نظم و ترتیبی کامل به کار افتد و جمیع کره زمین را در بر گیرد و از جمیع موانع قیود ملی آزاد باشد. یک پایتخت بین‌المللی به منزله کانون و مرکز اعصاب مدنیت جهانی تعیین شود که کانونی برای تمرکز و توجه قوای وحدت‌بخش حیات باشد و از آن انوار نیروبخش و جان‌افزایش به جمیع جهات ساطع گردد. □ (نظم جهانی بهائی، ص 155/ ندا به اهل عالم، ص 76)

## 11. انسان فقط عامل تولید نیست

حضرت بهاءالله در کتاب عهدی می‌فرماید: □ مقام انسان بزرگ است اگر به حق و راستی تمسک نماید و بر امر ثابت و راسخ باشد. انسان حقیقی به مثابه آسمان لدی‌الرحمن مشهود. شمس و قمر سمع و بصر و انجم او اخلاق منیره مضمیئه. مقامش اعلی‌المقام و آثارش مرئی امکان. □ (مجموعه الواح طبع مصر، ص 400)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارکه مورخ 23 آوریل 1912 می‌فرماید: □ انسان دارای ادراک و شعور است و طبیعت فاقد آن و این امر نزد فلاسفه مسلم است. انسان از اراده و حافظه برخوردار و طبیعت محروم از آن. انسان کشف اسرار مکنونه طبیعت نماید در حالی که طبیعت غافل از اسرار مودوعه در خود. انسان در ترقی و تقدّم است و طبیعت ساکن و بی‌تحرك و محروم از قوه اعتلاء و انحطاط. انسان موهوب به فضائل عالیّه مانند تفکر، اراده، و از جمله ایمان و اقرار و اعتراف به ذات الهی است و طبیعت فاقد جمیع اینها. قوای مکنونه عالیّه بشری، از جمله استعداد اکتسابات علمیّه، فوق ادراک طبیعت است. این قوا است که انسان به واسطه آنها از جمیع اشکال سایر حیات متمایز و ممتاز است... □ (ترجمه — *The Promulgation of Universal Peace*، ص 51)

## 12. مساوات

حضرت بهاءالله در کلمات مبارکه مکنونه می‌فرماید: □ یا أبناء الإنسان، هل عرفتم لِمَ خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تَرَابٍ وَاحِدٍ؛ لَنَلَّا يَفْتَجِرَ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ وَ تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ حَيٍّ فِي خَلْقِ أَنْفُسِكُمْ إِذَا يَنْبَغِي، كَمَا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ شَيْءٍ وَاحِدٍ، أَنْ تَكُونُوا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ بَحِيثٌ تَمْشُونَ عَلَى رَجُلٍ وَاحِدَةٍ وَ تَأْكُلُونَ مِنْ فَمِّ وَاحِدٍ وَ تَسْكُنُونَ فِي أَرْضٍ وَاحِدَةٍ حَتَّى تَظْهَرَ مِنْ كَيْنُونَاتِكُمْ وَ أَعْمَالِكُمْ وَ أَعْمَالِكُمْ آيَاتُ التَّوْحِيدِ وَ جَوَاهِرُ النَّجْرِيدِ. هَذَا نُصَحِي عَلَيْكُمْ يَا مَلَأَ الْأَنْوَارِ. فَانْتَصَحُوا مِنْهُ لَتَجِدُوا ثَمَرَاتِ الْقُدْسِ مِنْ شَجَرِ عِزِّ مَنِيعٍ. □ (مجموعه الواح طبع مصر، ص 31)

حضرت عبدالبهاء در لوح لاهه می‌فرماید: □ و همچنین حزب «مساوات» که طالب اقتصاد است؛ الی الآن جمیع مسائل اقتصادی از هر حزبی که در میان آمده قابل اجرا نه، مگر مسائل اقتصادی که در تعالیم حضرت بهاءالله و قابل‌الاجرا است و از آن اضطرابی در هیأت اجتماعیّه حاصل نگردد. □ (مکاتیب عبدالبهاء، ج 3، ص 111)

حضرت عبدالبهاء خطاب به اولی شوارتز به تاریخ فوریه 1920 می‌فرماید: □ اما در تعالیم الهی مساوات از طریق تسهیم و تشریک به طوع و رغبت حاصل گردد. در ارتباط با ثروت و غنا امر شده است که اغنیاء ناس و اشراف و اعیان باید به اختیار خویش و سعادت خود، به فکر فقرا و مراقبت از آنها باشند. این مساوات نتیجه صفات عالیّه و سجایای شریفه نوع بشر است. □ (ترجمه — *Foundations of World Unity*، ص 44)

حضرت عبدالبهاء در خطابه‌ای می‌فرماید: □ حال باید به دقت علاج [نابرابری ثروت] را مطمح نظر قرار داد. مساوات خیال واهی است و مستحیل و محال. بالمزّه غیر عملی است. حتی اگر مساوات قابل حصول بود، قابلیت استمرار نداشت — و اگر وجودش میسر می‌شد، کلّ نظم عالم مختل می‌گشت. نظم عالم انسانی باید همیشه برقرار باشد. اراده الهی در ایجاد عالم انسان بر آن تعلق گرفته است. □ (ترجمه — *Paris Talks*، ص 152 — 151)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ پس باید نظام و قانونی ترتیب داد که معدّل ثروت مفرط نفوس معدود گردد و باعث سدّ احتیاج هزار میلیون از فقراء جمهور شود تا اندکی اعتدال حاصل شود. ولی مساوات تام نیز ممکن نه؛ چه که مساوات تام در ثروت و عزّت و تجارت و فلاح و صناعت سبب اختلال و پریشانی و اغتشاش معیشت و ناکامی عمومی شود و به کلی انتظام امور جمهور بر هم خورد. زیرا در مساوات غیر مشروع نیز محذور واقع. پس بهتر آن است که اعتدال به میان آید و اعتدال این است که قوانین و نظاماتی وضع شود که مانع ثروت مفرط بی‌لایم بعضی نفوس شود و دافع احتیاج ضروریّه جمهور گردد. مثلاً اصحاب فبریک، صاحب کارخانه‌ها، هر روز کنزی به دست آرند ولی بیچارگان عمله به قدر کفایت معیشت یومیّه اجرت نگیرند. این نهایت اعتساف است؛ البته انسان منصف قبول ننماید. □ (مفاوضات عبدالبهاء، مبحث اعتصاب، ص 227)

### 13. مراتب و استعدادهای متفاوت انسان

حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابه‌های ایراد شده در سال 1912 در مونترال کانادا می‌فرماید: □ مع کلّ ذلك، حفظ مراتب خواهد بود. زیرا در عالم بشری وجود مراتب لازم است. هیأت اجتماع را می‌توان به یک اردو تشبیه کرد. در این قشون سردار لازم، صاحب منصب لازم، مارشال لازم، نفر لازم. ولی همه باید در نهایت راحت و آسایش زندگانی نمایند. □ (ترجمه — *Foundations of World Unity*، ص 41، به نقل از نجم باختر، سال 13، ص 229)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ ترتیب امور ناس باید به نحوی باشد که فقر بالمزّه از میان برود. همه حتی المقدور طبق رتبه و مقام در رفاه و آسایش به سر ببرند. در میان ما نفوسی هستند که در نهایت غنا هستند، بعضی در نهایت فقر. یکی در قصر بسیار عالی منزل دارد، یکی سوراخی ندارد که سر بر بالین بگذارد. یکی انواع طعام در سفره‌اش حاصل است، یکی نان خالی ندارد، قوت یومی ندارد. بعضی انواع البسه گران قیمت، مخمل، جامه خز و لباس عالی دارند، در حالی سایرین البسه قلیل، فقیرانه و مندرس دارند که آنها را از برودت حفظ نتوانند. □ (ترجمه — *Paris Talks*، ص 151)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ بعضی در درجه اول عقلند و بعضی درجه متوسط و بعضی به کلی از عقل محرومند. حال، آیا ممکن است نفسی که در درجه اعلاّی عقل است با نفسی که هیچ عقل ندارد مساوی باشد؟ عالم بشر مانند اردویی است. اردو را سردار لازم و نفر نیز لازم. آیا ممکن است که همه سردار یا صاحب منصب باشند؟ یا همه سرباز باشند؟ البته مراتب لازم است. □ (خطابات مبارکه، ج 1، ص 171)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورّخ 19 مه 1912 در کلیسای اخوت نیوجرسی می‌فرماید: □ حقیقت موضوع این است که عدالت الهی در شرایط و امور بشری ظاهر خواهد شد و جمیع نوع بشر در زندگانی از راحت و آسایش برخوردار خواهند بود. این بدان معنی نیست که مساوات وجود داشته باشد، بلکه عدم تساوی در مرتبه و استعداد از خصوصیات طبیعت است. لهذا نفوس غنی و نفوس محتاج به معیشت ضروری وجود خواهند داشت، اما در زندگی جمعی تساوی و اصلاح مجدد ارزش‌ها و منافع وجود خواهد داشت. □ (ترجمه — *Promulgation of Universal Peace*، ص 132)

حضرت عبدالبهاء در خطابه اول جولای 1912 می‌فرماید: □ چه‌که جامعه به سرمایه‌گذار، زارع، تاجر و عمله احتیاج دارد، همان‌طور که یک اردو باید فرمانده، صاحب منصب و سرباز داشته باشد. نمی‌شود که همه فرمانده باشند و نمی‌شود که همه صاحب منصب یا سرباز باشند. هر یک در مقام خود در ترکیب اجتماع باید متبخر و لایق باشد؛ هر یک در ایفای وظائف باید با کفایت تام باشد. □ (ترجمه — *Promulgation of Universal Peace*، ص 216)

حضرت عبدالبهاء در همان خطابه فوق می‌فرماید: □ وقتی شریعتی که حضرتش وضع فرمود تنفیذ و اجرا شود، دیگر نه غنی به افراط در جامعه وجود خواهد داشت و نه فقیر محتاج. این امر با تدوین و تطبیق با مراتب مختلفه استعداد بشری حاصل خواهد شد. □ (ترجمه)

حضرت ولی‌امرالله می‌فرماید: □ نابرابری اجتماعی نتیجه قطعی نابرابری طبیعی انسان است. نفوس بشر از لحاظ قوا و استعدادها متفاوتند و لهذا باید از لحاظ موقعیت اجتماعی و اقتصادی نیز متفاوت باشند. □ (ترجمه — *Directives from the Guardian*، ص 20)

## 14. حرف و صنایع

### الف) کار و حرفه

حضرت ولی‌امرالله در مکتوبی که به تاریخ 26 دسامبر 1935 از طرف هیکل اطهر به یکی از احباء نوشته شده می‌فرماید: □ هر قدر ترقیات فنیّه و وسائل حاصل گردد، انسان همیشه باید جهت تأمین معاش سعی و کوشش نماید. جدّ و جهد جزء لایتجزای حیات انسان است. با تحوّل شرایط عالم ممکن است به اشکال مختلف ظاهر گردد. لکن همیشه به صورت عنصر لازم و ضروری در وجود ترابی ما موجود خواهد بود. به هر حال، حیات عبارت از تلاش و مجاهده است. ترقی و تقدّم با بذل مساعی حاصل شود و بدون چنین جدّ و جهدی حیات از معنی و مفهوم محروم شده، معدوم خواهد گردید. ترقیات فنیّه در وسائل تولید منافی ضرورت سعی و تلاش نیست، بلکه شکل و ظاهر جدیدی به آن بخشیده است. □ (ترجمه / انوار هدایت، شماره 1870)

حضرت بهاءالله در لوح بشارات می‌فرماید: □ قد وَجَبَ عَلَيَّ كَلِّ واحد منكم الاشتغالُ بأمر منّ الأمور من الصناعات و الاقتراف و أمثالها و جعلنا اشتغالكم بها نفسن العبادة لله الحقّ \* تفكروا یا قوم في رحمة الله و أطافه ثم اشكروه في العشيّ و الاشراق \* لا تضيعوا أوقاتكم بالبطالة و الكسالة و اشتغلوا بما تنتفع به أنفسكم و أنفس غيركم كذلك فُضِي الأمر في هذا اللوح الذي لا حث من أفعه شمس الحكمة و البيان \* أبغضنّ الناس عند الله من يقعد و يطلب \* تمسكوا بحبل الأسباب متوكّلين على الله مسبّب الأسباب \* هر نفسی به صنعتی و یا به کسبی مشغول شود و عمل نماید آن عمل نفس عبادت عند الله محسوب \* إن هذا إلا من فضله العظيم العميم □ (مجموعه الواح طبع مصر، ص 121)

حضرت ولی‌امرالله در توفیق مبارک که در تاریخ 22 مارچ 1937 از طرف حضرت‌نشان خطاب به محفل مقدّس روحانی ملی بهائیان ایالات متّحده و کانادا ترقیم یافته، می‌فرماید: □ راجع به دستور حضرت بهاءالله در این باره که احباء به شغلی از اشغال مشغول شوند، تعالیم مبارک بسیار مؤکد است، به‌خصوص بیان مبارک در کتاب مستطاب اقدس در این باره صریحاً می‌رساند که نفوس مهمله که تمایل به کار ندارند در بساط نظم بدیع الهی محبوب و مقبول نیستند. بر اساس این حکم محکم، حضرت بهاءالله می‌فرماید که تکدی نه تنها مذموم است بلکه باید به کلی از صفحه روزگار محو گردد. کسانی که زمام تشکیلات جامعه را در دست دارند، موظّفند و سائلی فراهم کنند تا هر فردی از افراد فرصت یابد و به کسب حرفه و صنعتی نائل شود و همچنین باید تدابیری اتّخاذ کنند که این استعداد و کاردانی، هم جهت ترویج نفس حرفه و هم برای امرار معاش آن فرد به کار رود. بر هر فردی ولو هر قدر دچار موانع و محدودیت باشد، واجب است به کار و پیشه‌ای اشتغال ورزد. چون کار علی‌الخصوص وقتی با نیت خدمت همراه باشد به موجب تعالیم حضرت بهاءالله نوعی عبادت است. کار نه تنها متضمّن فایده عمومی است، بلکه بنفسه دارای قدر و منزلتی



مخصوص است زیرا موجب تقرب ما به درگاه الهی است و سبب می‌گردد که مقصد الهی را برای حیات خود در این عالم بهتر ادراک نماییم. بنابراین واضح است ثروتی که از راه ارث به دست آید هیچ‌کس را از کار روزانه معاف نمی‌نماید. □ (مکتوب 22 مارس 1937 از طرف حضرت ولی‌امرالله به محفل روحانی ملی ایالات متحده و کانادا؛ نقل ترجمه از یادداشت‌ها و توضیحات کتاب اقدس، طبع مرکز جهانی، ص 145؛ یادداشت شماره 56)

حضرت بهاءالله در کلمات مکتونه فارسی می‌فرماید: □ ای بندگان من، شما اشجار رضوان منید. باید به اثمار بدیعه منبوعه ظاهر شوید تا خود و دیگران از شما منتفع شوند. لذا بر کلّ لازم که به صنایع و اکتساب مشغول گردند. این است اسباب غنا یا اولی الألباب و إنّ الأمور معلقة بأسبابها و فضل الله یغنیکم بها و أشجار بی‌ثمر لائق نار بوده و خواهد بود. □ (مجموعه الواح طبع مصر، ص 397)

و نیز می‌فرماید: □ ای بنده من، پست‌ترین ناس نفوسی هستند که بی‌ثمر در ارض ظاهرند و فی الحقیقه از اموات محسوبند بلکه اموات از آن نفوس معطله مهمله ارجح عندالله مذکور. □ (مجموعه الواح طبع مصر، ص 398)

و نیز می‌فرماید: □ ای بنده من، بهترین ناس آنانند که به اقتراف تحصیل کنند و صرف خود و ذوی القربی نمایند خبأ لله رب العالمین. □ (مجموعه الواح طبع مصر، ص 398)

جمال مبارک در طراز اول از لوح مبارک طرازات می‌فرماید: □ بعد از تحقق وجود و بلوغ، ثروت لازم و این ثروت اگر از صنعت و اقتراف حاصل شود، نزد اهل خرد ممدوح و مقبول است. مخصوص، عبادی که بر تربیت اهل عالم و تهذیب نفوس امم قیام نموده‌اند. □ (مجموعه اشراقات، ص 149)

## ب) فنون، هنرها و صنایع

حضرت بهاءالله در طراز پنجم می‌فرماید: □ اهل بهاء باید اجر احدی را انکار ننمایند و ارباب هنر را محترم دارند و به مثابه حزب قبل لسان را به بدگویی نیالایند. امروز آفتاب صنعت از افق آسمان غرب نمودار و نهر هنر از بحر آن جهت جاری. باید به انصاف تکلم نمود و قدر نعمت را دانست. □ (مجموعه اشراقات، ص 153)

حضرت بهاءالله در تجلی سوم از لوح مبارک تجلیات می‌فرماید: □ تجلی سوم علوم و فنون و صنایع است. علم به منزله جناح است از برای وجود و مرقات است از برای صعود. تحصیلش بر کلّ لازم؛ ولیکن علمی که اهل ارض از آن منتفع شوند نه علمی که به حرف ابتدا شود و به حرف منتهی گردد. صاحبان علوم و صنایع را حقّ عظیم است بر اهل عالم. □ (مجموعه اشراقات، ص 203)

## 15. زراعت و زارع

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ ما باید از دهقان شروع کنیم و برای آن نظم و نظام اساسی تأسیس کنیم زیرا صنف دهقان و صنف زارع بر سایر اصناف از لحاظ اهمیت خدمات، اضعاف مضاعف است. □ (ترجمه / *Foundations of World Unity*، ص 39)

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک 4 اکتبر 1912 خطاب به امه‌الله مسس پارسنز مقیم دبلین می‌فرماید: □ این مسأله اقتصادی جز به موجب این تعالیم حلّ تام نیابد. بلکه ممتنع و محال و آن این است که این مسأله اقتصاد را باید از دهقان ابتدا نمود تا منتهی به اصناف دیگر گردد. زیرا عدد دهقان بر جمیع اصناف اضعاف مضاعف است. لهذا سزاوار چنان است که از دهقان ابتدا شود و

دهقان اول عامل است در هیأت اجتماعی. باری، در هر قریه‌ای باید که از عقلاء آن قریه انجمنی تشکیل شود که قریه در زیر اداره آن انجمن باشد. □ (مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء، سه جلد در یک جلد، طبع آلمان، 1984، ص 760)

حضرت بهاءالله در لوح مبارک دنیا می‌فرماید: □ توجه کامل است در امر زراعت. این فقره اگرچه در پنجم ذکر شد ولیکن فی‌الحقیقه دارای مقام اول است. □ (مجموعه الواح طبع مصر، ص 292)

حضرت ولی‌امرالله می‌فرماید: □ ... البتّه شرایط در شرق، که ممالک به ندرت صنعتی و اکثرأ زراعتی هستند متفاوت است و ما باید قوانینی متفاوت با غرب را به کار ببریم و به این علت است که اصول امر مبارک به ریشه‌ها می‌پردازد که در هر دو مشترک است. حضرت عبدالبهاء در خطابات مبارکه، که در مجموعه‌های مختلف می‌توانید بیابید، اصولی را بیان فرموده‌اند که نظام اقتصادی بهائی مبتنی بر آن خواهد بود. نظامی که، علاوه بر سایر امور، از سلطه تدریجی معدودی از افراد بر ثروت و نتیجه آن که فقر و ثروت فاحش خواهد بود ممانعت خواهد کرد. □ (ترجمه مکتوب 28 اکتبر 1927 از طرف حضرت ولی‌امرالله به یکی از احباء؛ منتخباتی از آثار بهائی در زمینه زراعت و مواضع مرتبط جمع‌آوری شده توسط بیت‌العدل اعظم / انوار هدایت، شماره 1860)

حضرت ولی‌امرالله می‌فرماید: □ و اما سؤال چهارم شما؛ حضرت ولی‌امرالله معتقدند مرجح آن است که روش‌هایی که حضرت عبدالبهاء توضیح فرموده‌اند با نظام‌های فعلی مشابه نشود. ممکن است بین آن‌ها وجوه تشابهی وجود داشته باشد اما وجوه تفاوت بسیاری نیز وجود دارد. مضافاً، این بیانات کلی که در تعالیم مبارکه داریم پیش از آن‌که بتوانیم واقعاً پی به اهمّیت آن‌ها ببریم باید توسط بیت‌العدل اعظم تشریح شده معمول گردد. □ (ترجمه - مکتوب 21 اکتبر 1932 از طرف حضرت ولی‌امرالله به یکی از احباء؛ منتخباتی از آثار بهائی در زمینه زراعت و مواضع مرتبط جمع‌آوری شده توسط بیت‌العدل اعظم / انوار هدایت، شماره 1861)

## 16. سرمایه و سرمایه‌داری

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ جائز نیست که بعضی در نهایت غنا باشند و بعضی در نهایت فقر. باید اصلاح کرد و چنان قانونی گذارد که از برای کلّ وسعت و رفاهیت باشد. نه یکی به فقر مبتلا و نه یکی نهایت غنا را داشته باشد. مثلاً شخصی غنی که منتهی غنا را دارد، شخصی دیگر منتهی فقر را داشته باشد؛ مراعات او را بکند تا آن هم راحت باشد. □ (خطابات مبارکه، ج 1، ص 173)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ اهل ثروت باید در اکتساب منافع اعتدال را ملاحظه نمایند و مراعات فقرا و اهل احتیاج را منظور دارند و آن این است که عمله و فعله را اجرتی یومی معلوم و مقرّر گردد و از منافع عمومی فربیق نیز نصیب و بهره یابند. □ (مفاوضات عبدالبهاء، ص 192)

حضرت ولی‌امرالله می‌فرماید: □ در تعالیم مبارکه مطلبی دالّ بر نفی نوعی نظام سرمایه‌داری وجود ندارد اما شکل فعلی آن مستلزم اصلاحاتی است که باید انجام شود. □ (ترجمه — مکتوب 19 نوامبر 1945 از طرف حضرت ولی‌امرالله به یکی از احباء؛ اخبار امری آمریکا، شماره 210، اگست 1948، ص 3 / انوار هدایت، شماره 1869)

## 17. کارگران و صنعت

کارخانه — رنجبران و کارگران

حضرت عبدالبهاء در خطابه 1912 در مونترال کانادا می‌فرماید: □ باید قوانین گذارد. زیرا کارگران ممکن نیست به اوضاع حالیه راضی شوند. هر سال، هر ماه، اعتصاب کنند و آخر الامر ضرر مایون است. □ (خطابات مبارکه، ج 2، ص 126)

حضرت عبدالبهاء در مبحث اعتصاب می‌فرماید: □ ... یعنی رأس المال و اداره از صاحب فبریک و شغل و عمل از گروه فعله ... و همچنین باید عمله غلّو و تمرد نمایند و بیش از استحقاق نطلبند و اعتصاب نمایند و اطاعت و انقیاد کنند و اجرت فاحش نخواهند؛ بلکه حقوق معتدله مشترکه طرفین به قانون عدل و حقانیت رسماً محقق و مسلم شود. □ (مفاوضات، ص 228)

### کارخانه — سود و سهام

حضرت عبدالبهاء در مبحث فوق می‌فرماید: □ ... عمله و فعله را اجرتی یومی معلوم و مقرر گردد و از منافع عمومی فبریک نیز نصیب و بهره‌ای یابند. □ (مفاوضات، ص 228)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ همچنین، هر فابریکه که ده هزار سهم دارد از این ده هزار سهم از منافع دو هزار سهم را به اسم کارگران نماید که مال آنها باشد و باقی مال مالیون. بعد، آخر ماه یا سال هر چه منفعت می‌شود بعد از مصارفات و مزد بر حسب عدد سهام در میان هر دو طرف تقسیم کنند. □ (پیام ملکوت، ص 150)

### دستمزدها

حضرت عبدالبهاء در مبحث اعتصاب می‌فرماید: □ مختصر این است، در حقوق مشترکه مابین صاحبان فبریک و عموم عمله و فعله، باید قانونی گذاشته شود که سبب منافع معتدله صاحب فبریک گردد و اسباب معیشت لازمه فعله و تأمین استقبال ایشان شود که اگر عمله عاجز و سقط و یا خود پیر و ناتوان گردند و یا فوت نمودند و اطفال صغیر گذاشتند از شدت فقر مضمحل نگردند. بلکه اندک حق معیشت از واردات نفس فبریک داشته باشند. □ (مفاوضات، ص 228)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ اگر ممکن باشد صاحبان معادن و فابریکه در منافع با کارگران شریک باشند؛ معتدلانه از حاصلات صدی چند به عملجات بدهند تا عمله غیر از مزد نصیبی از منافع عمومی کارخانه داشته باشد تا به جان در کار بکوشد. □ (پیام ملکوت، ص 150)

حضرت ولی‌امرالله می‌فرماید: □ حضرت عبدالبهاء قطعاً بیان فرموده‌اند که اجرت‌ها باید نابرابر باشد، صرفاً به این علت که افراد بشر از لحاظ توانائی مساوی نیستند و بدن لحاظ باید اجرتی دریافت کنند که با قابلیت و منابع آنها منطبق باشد. □ (ترجمه — مکتوب 26 دسامبر 1935 از طرف حضرت ولی‌امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره 1867)

حضرت ولی‌امرالله در ادامه مطلب فوق می‌فرماید: □ این دیدگاه به نظر می‌رسد با عقیده بعضی از اقتصاددانان امروز در تضاد باشد اما یاران باید به بیانات مبارکه حضرت مولی‌الوری اطمینان کامل داشته باشند و باید بیانات آن حضرت را بر اظهارات نفوس به اصطلاح متفکر امروزی ترجیح دهند. □ (ترجمه)

### نمایندگان طبقات دستمزدبگیر

حضرت ولی‌امرالله می‌فرماید: □ ... در عالم صنعت که نمایندگان طبقات مزدبگیر از طریق اعمال خشونت یا تشویق و ترغیب، کرسی‌های قدرت را در اختیار گرفته قوه مجبره را مورد استفاده قرار می‌دهند؛ در میدان دین، که اخیراً شاهد مساعی وسیع و سازمان‌یافته برای توسعه و تسهیل اساس ایمان انسان برای وصول به وحدت در عالم مسیحی و اعاده قدرت حیات‌بخش اسلام بودیم؛ در قلب

خود جامعه که علائم شوم افراط و تذبذب دائم‌التزاید صرفاً قوه محرکه جدیدی به قوای انقلاب و عصیان می‌بخشند که یوماً فیوماً به نحوی بارز در حال تزاید هستند؛ در جمیع این وقایع و بسیاری از سایر موارد موجبات احساس خطر را از طرفی و علل امید و حمد و سپاس را از طرف دیگر مشاهده می‌کنیم. □ (ترجمه — *Baha'i Administration*، ص 146)

## 18. اتحادیه‌های صنفی

در مکتوب مورخ 2 فوریه 1951 که از طرف حضرت ولی‌امرالله نوشته شده چنین آمده است: □ درباره سؤال شما در خصوص اتحادیه‌های صنفی، نظر حضرت ولی‌امرالله این است که هر یک از محافل روحانی ملی باید احباء را درباره این موضوع راهنمایی کنند. مادام که اتحادیه‌های صنفی در هیچ حزب سیاسی خاصی عضویت نداشته باشند، هیچ منعی به نظر نمی‌رسد برای وابستگی بهائیان به آنها وجود داشته باشد. □ (ترجمه — انوار هدایت، شماره 2121)

## 19. بازنشستگی

حضرت ولی‌امرالله در یکی از توفیعات مبارکه که در مورد وجوب اشتغال به کار است می‌فرماید: □ و اما راجع به حد نصاب سنی که موجب معافیت شخص از کار می‌گردد، این امری است که راجع به آن بیت عدل اعظم باید قانونی وضع نماید. زیرا دستوری در این خصوص در کتاب مستطاب اقدس نازل نگردیده. □ (نقل ترجمه از صفحه 13 کتاب نظامات بهائی [بهائی پروسیجر])

در مکتوب 23 آگست 1954 که از طرف حضرت ولی‌امرالله به یکی از احباء نوشته شده چنین آمده است: □ اگرچه شما 79 ساله هستید، به نظر نمی‌رسد در قضیه شما ضعف و اشکالی به حساب آید و در این امر مبارک همان‌طور که حضرت ولی‌امرالله فرموده‌اند برای همه در هر سنی که باشند نوعی کار و فعالیت وجود دارد. □ (ترجمه — مکتوب 23 اوت 1954 از طرف حضرت ولی‌امرالله به یکی از احباء؛ منقول در مکتوب 14 دسامبر 1970 بیت‌العدل اعظم / انوار هدایت، شماره 2115)

## 20. مستمری

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ پس یا باید نظامات و قوانینی گذاشت که گروه عمله اجرت یومیه از صاحب فبریک بگیرند و شرکتی در ربع و یا خمس منافع به اقتضای وسع فبریک داشته باشند و یا در منافع و فوائد گروه عمله با صاحب فبریک به نوع معتدلی مشترک گردند؛ یعنی رأس‌المال و اداره از صاحب فبریک و شغل و عمل از گروه فعله و یا آن‌که عمله به قدر معیشت معتدله اجرت یومیه بگیرند و چون سقط یا عاجز یا ناتوان گردند، به قدر کفایت حق استفاده از واردات فبریکه داشته باشند و یا اجرت به اندازه‌ای باشد که عمله به صرف مقداری از اجرت قناعت نمایند و اندکی از برای روز عجز و ناتوانی اندوخته کنند. □ (مفاوضات عبدالبهاء، ص 228)

## 21. مسأله اعتصاب

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ از مسأله اعتصاب سؤال نمودید. در این مسأله مشکلات عظیمه حاصل شده و می‌شود و مورث این مشکلات دو چیز است: یکی شدت طمع و حرص اصحاب معامل و کارخانه‌ها و دیگری غلو و طمع و سرکشی عمله و فعله‌ها؛ پس باید چاره هر دو را کرد اما سبب اصلی این مشکلات قوانین طبیعی مدنیت حاضره است زیرا نتیجه این قوانین این که نفوسی معدود بیش از لزوم ثروت بی‌پایان یابند و اکثری برهنه و عریان و بی‌سر و سامان مانند و این مخالف عدالت و مروّت و انصاف و عین اعتساف و مباین رضای حضرت رحمن و این تفاوت

مختصّ به نوع بشر است امّا در سائر کائنات یعنی جمیع حیوان تقریباً یک نوع عدالت و مساوات موجود؛ مثلاً در بین گلهٔ اغنام و دستهٔ آهو در بیابان مساوات است و همچنین در بین مرغان چمن در دشت و کوهسار و بوستان هر نوعی از انواع حیوان تقریباً یک قسم مساواتی حاصل چندان در معیشت تفاوت از یکدیگر ندارند لهذا در نهایت راحتند و به سعادت زندگانی نمایند؛ به خلاف بنی نوع انسان که نهایت اعتساف و عدم انصاف در میان. ملاحظه می‌کنی که فردی از افراد انسان گنجی اندوخته و اقلیمی را مستعمره خویش نموده، ثروت بی‌پایان یافته و منافع و واردات به مثابه سیل روان مهیا ساخته ولی صدهزار نفر از بیچارگان دیگر ضعیف و ناتوان و محتاج یک لقمه نان. مساوات و مواساتی در میان نیست لهذا ملاحظه می‌کنی که آسایش و سعادت عمومی مختل و راحت نوع بشر به قسمی مسلوب که حیات جمّ غفیری بی‌ثمر؛ زیرا ثروت و عزّت و تجارت و صنایع مختصّ به نفوسی معدود و سائرین در زیر بار گران مشقّت و زحمت نامحدود و از فوائد و منافع و راحت و آسایش محروم. پس باید نظام و قانونی ترتیب داد که معدّل ثروت مفرط نفوس معدود گردد و باعث سدّ احتیاج هزار میلیون از فقراء جمهور شود تا اندکی اعتدال حاصل شود.

ولی مساوات تامّ نیز ممکن نه چه که مساوات تامّ در ثروت و عزّت و تجارت و فلاح و صناعت سبب اختلال و پریشانی و اغتشاش معیشت و ناکامی عمومی شود و به کلّی انتظام امور جمهور بر هم خورد زیرا در مساوات غیر مشروع نیز محذور واقع. پس بهتر آن است که اعتدال به میان آید و اعتدال این است که قوانین و نظاماتی وضع شود که مانع ثروت مفرط بی‌لزم بعضی نفوس شود و دافع احتیاج ضروریّه جمهور گردد؛ مثلاً اصحاب فبریک صاحب کارخانه‌ها هر روز کنزی به دست آرند ولی بیچارگان عمله به قدر کفایت معیشت یومیّه اجرت نگیرند. این نهایت اعتساف است البتّه انسان منصف قبول ننماید. پس یا باید نظامات و قوانینی گذاشت که گروه عمله اجرت یومیّه از صاحب فبریک بگیرند و شرکتی در ربع و یا خمس منافع به اقتضای وسع فبریک داشته باشند و یا در منافع و فوائد گروه عمله با صاحب فبریک به نوع معتدلی مشترک کردند؛ یعنی رأس‌المال و اداره از صاحب فبریک و شغل و عمل از گروه فعله و یا آن‌که عمله به قدر معیشت معتدله اجرت یومیّه گیرند و چون سقط یا عاجز یا ناتوان گردند به قدر کفایت حقّ استفاده از واردات فبریکه داشته باشند و یا اجرت به اندازه‌ای باشد که عمله به صرف مقداری از اجرت قناعت نمایند و اندکی از برای روز عجز و ناتوانی اندوخته کنند.

چون کار بر این منوال باشد نه صاحب فبریک هر روز کنزی اندوخته نماید که به هیچ‌وجه از برای او مثمر ثمر نیست — زیرا ثروت اگر بی‌نهایت شود شخص صاحب ثروت در زیر حمل ثقیل افتد و در غایت زحمت و محنت افتد و اداره دائره ثروت مفرطه بسیار مشکل شود و قوای طبیعی انسان مضمحل گردد — و نه عمله و فعله از نهایت تعب و مشقّت از پا افتند و در نهایت عمر به شدّت احتیاج مبتلا گردند.

پس معلوم و مسلّم گردید که اختصاص ثروت مفرطه به نفوس معدوده با احتیاج جمهور ظلم و اعتساف است و همچنین مساوات تامّ نیز مختل زندگانی و راحت و انتظام و آسایش نوع انسانی. پس در این صورت اعتدال از همه بهتر و آن این است که اهل ثروت باید در اکتساب منافع اعتدال را ملاحظه نمایند و مراعات فقرا و اهل احتیاج را منظور دارند و آن این است که عمله و فعله را اجرتی یومی معلوم و مقرّر گردد و از منافع عمومیّه فبریک نیز نصیب و بهره‌ای یابند.

مختصر این است در حقوق مشترکه ما بین صاحبان فبریک و عموم عمله و فعله باید قانونی گذاشته شود که سبب منافع معتدله صاحب فبریک گردد و اسباب معیشت لازمه فعله و تأمین استقبال ایشان شود که اگر عمله عاجز و سقط و یا خود پیر و ناتوان گردند و یا فوت نمودند و اطفال صغیر گذاشتند از شدّت فقر مضمحل نگردند، بلکه اندک حقّ معیشت از واردات نفس فبریک داشته باشند.

و همچنین باید عمله غلوّ و تمرّد ننمایند و بیش از استحقاق نطلبند و اعتصاب ننمایند و اطاعت و انقیاد کنند و اجرت فاحش نخواهند بلکه حقوق معتدله مشترکه طرفین به قانون عدل و

حقّ انبیت رسماً محقّق و مسلّم شود و هر طرف تجاوز نمایند، بعدالمحاکمه محکوم گردند و قوه نافذه جزای قطعی مجری دارند تا امور انتظام یابد و مشکلات برطرف گردد.

و مداخله قضا و حکومت در مشکلات حاصله بین اصحاب فبریق و عمله مداخله مشروع است؛ مانند معامله عادّی بین عمله و صاحبان کار جزئی نیست که خصوصیت و دخلی به عموم ندارد و حکومت را حق مداخله نیست، زیرا مسأله فبریق و عمله هر چند مسأله خصوصی به نظر آید ولی از مشکلات حاصله در مابین مضرّات عمومی حاصل گردد زیرا امور تجارت و صنعت و فلاحت بلکه اشغال عمومی ملّت کلّ مرتبط به یکدیگر است. اگر در یکی فتوری حاصل شود مضرّات به عموم رسد. لهذا مشکلات حاصله بین عمله و صاحبان فبریق سبب مضرّات عمومی گردد و قضا و حکومت حقّ مداخله دارد.

و چون اختلاف ما بین دو نفس در حقوق جزئی واقع شود ثالثی باید که دعوا را فصل نماید و آن حکومت است. پس مسئله اعتصاب که سبب اختلال مملکت و گاهی منبعث از شدّت اعتساف عمله و یا کثرت طمع صاحبان فبریق است چگونه می‌شود که مهمل ماند؟

سیحان الله! انسان چون نفوسی را از بنی نوع خویش گرسنه و برهنه و بی‌سر و سامان ببیند چگونه در قصر عالی خود راحت و آسایش کند و کسانی را در نهایت احتیاج ببیند با وجود این چگونه از ثروت خود ممنون و خوشنود گردد؟ این است که شرائع الهیه مقنّن و مقرّر که اهل ثروت محض اعاشه فقرا و دستگیری ضعفا هر سالی مبلغی از مال خویش را باید انفاق نمایند و این از اساس شریعت الهیه است و بر جمیع فرض عین است و چون در این خصوص به حسب ظاهر انسان از طرف حکومت مجبور نیست و محکوم نه بلکه به صرافت طبع و طیب خاطر در نهایت روح و ریحان انفاق بر فقرا می‌نماید بسیار محبوب و مرغوب و شیرین است.

و مقصود از اعمال مبروره که در کتب و الواح الهی مذکور اینست والسّلام. □ (مفاوضات، ص 229 — 226)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: □ الیوم نحوه تقاضا عبارت از اعتصاب و توسّل به قوه مجبره است که بدیهی است خطا و هادم بنیان بشر است. امتیازات مشروع و تقاضای صحیح باید در قوانین و مقرّرات تعیین شود. □ (ترجمه — خطابه 23 جولای 1912، *Promulgation of Universal Peace*، ص 238)

## 22. مسأله اشتراکیون

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: □ این مسأله اشتراکیون بسیار مهمّ است و به اعتصاب مزدوران حلّ نخواهد شد. □ (پیام ملکوت، ص 150)

## 23. بی‌کاری

حضرت ولی‌امرالله در توقیع منیع هدف نظم بدیع جهانی می‌فرمایند: □ بر هیچ ناظر منصفی پوشیده نیست که مقروض بودن کشورها سبب شد که فشاری سخت بر مردم اروپا وارد آید و موازنه بودجه‌های ملّی را بر هم زند و صنایع ملّی را فلج سازد و بر عده بی‌کاران بیفزاید. □ (نظم جهانی بهائی، ص 48)

## 24. بردگی صنعتی

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: □ در خلال سال‌های 1860 تا 1865 شما موفقیت بزرگی کسب کردید و آن آزادی بردگان و الغاء مالکیت آنان بود. ولی امروز باید به امری اعظم مباشرت کنید و آن الغاء استثمار و بردگی صنعتی است. □ (بهاءالله و عصر جدید، طبع برزیل، ص 163)

## 25. علم و فناوری

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورخ 8 جون 1912 در نیویورک می‌فرماید: □ علم نمی‌تواند موجب اتحاد و اتفاق قلوب انسانی گردد. □ (ترجمه — *Promulgation of Universal Peace*، ص 171)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورخ 23 آوریل 1912 در کلیسای متدیست و اشنگتون دی‌سی می‌فرماید: □ توسعه و پیشرفت یک ملت مطابق با میزان و درجه ترقیات علمیّه آن ملت است. به این واسطه عظمتش مستمراً تزايد یابد و یوماً فیوماً راحت و سعادت امتش تضمین گردد. □ (ترجمه — *Promulgation of Universal Peace*، ص 49)

و نیز در همان خطابه فوق می‌فرماید: □ انسان عالم و دانشمند، مظهر و مثال واقعی انسانیت است چه که به واسطه جریان تحقیقات و استدلالات استقرایی به جمیع آنچه که به عالم انسانی مربوط می‌شود، اعم از مقام و موقعیت، شرایط و وقایع، واقف می‌گردد. او هیأت اجتماع انسانی را مطالعه می‌کند، مسائل اجتماعی را ادراک می‌نماید و تار و پود مدنیت را می‌سازد. فی‌الحقیقه می‌توان علم را به مثابه مرآت دانست که اشکال و تصاویر لانهاییه از اشیاء موجود در آن منجلی و منعکس می‌شود. علم نفس پایه و اساس کلیه ترقیات و تحولات فردی و ملی است. بدون این اساس تحقیق، ترقی و تقدّم مستحیل و محال. □ (ترجمه — *The Promulgation of Universal Peace*، ص 50)

## 26. استفاده از دانش فنی

حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیّه (ص 37) می‌فرماید: □ در بعضی روایات مذکور که برخی اخلاق حسنه و شیّم مرضیه را از وحوش اقتباس کنید و عبرت گیرید؛ پس چون تعلم اخلاق حسنه از حیوان صامت جایز، به وجه اولی از ملل اجنبیه، که اقلاً از نوع انسان و به نفس ناطقه و قوه ممیزه ممتاز، اکتساب و اقتباس فنون جسمانیّه جائز و اگر ملاحظه شود که در حیوانات این صفات مدوحه خلقی است، این اصول و اساس مدنیت و علوم و حکمت طبیعیه در ممالک سائری به چه برهان می‌توان گفت که غیر خلقی است. □

و نیز در همان اثر ثمین می‌فرماید: □ پس به این دلایل واضح و براهین متقنه ظاهر و میرهن گشت که اکتساب اصول و قوانین مدنیّه و اقتباس معارف و صنایع عمومیّه، مختصراً ما ینتفع به العموم از ممالک سائره جائز. □ (ص 38)

و نیز در همان اثر جلیل (ص 119) چنین آمده است: □ آیا می‌توان گفت این امور موافق عدل و انصاف و مطابق احکام شریعت‌الله است و یا خود تشویق و تحریص بر تعلم فنون مفیده و اکتساب معارف عمومیّه و اطلاع بر حقائق حکمت طبیعیه نافع و توسیع دائره صنایع و تزیید مواد تجارت و تکثیر وسائط ثروت ملت، منافی اصول دیانت الهیه است؟ و یا خود آنکه ترتیب نظام مدن و تنظیم احوال نواحی و قری و تعمیر طرق و سبل و تمدید راه کالسکه آتشی و تسهیل وسائط نقلیه و حرکت و ترفیه عموم اهالی، مضاف عبودیت درگاه حضرت احدیت است؟ و یا خود اشغال معادن متروکه که اعظم وسائط ثروت دولت و ملت است و ایجاد معامل و کارخانه‌ها که منبع آسایش و راحت و باعث غنا و توانگری عموم ملت است و تحریص و تحریص ایجاد صنایع جدید و تشویق ترقی امتعه و وطنیه مغایر اوامر و نواهی رب‌البریه است؟ □

و نیز در همین اثر منیع (ص 134) چنین مذکور: □ همچنین قیاس نماید سائر فنون و معارف و صنایع و قضیّات مثبت‌الفوائد عالم سیاسی را که در قرون‌های عیدیه مکرراً تجربه شده و به جهت عزت و عظمت دولت و آسایش و ترقی ملت منافع و فوائد و محسّنات کاتبه‌اش ثابت و میرهن گشته؛ حال آن را بدون سبب و داعی ترک نموده به نوع دیگر در صدد اصلاحات کوشیده

شود تا آن اصلاحات از حیث قوه به وجود آید و فوائد و منافعش ثابت و مبرهن گردد، سالها بگذرد و عمرها به سر آید. □

## 27. ائتلاف منابع در جنگ

حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیه (ص 72) می‌فرماید: □ صلح و آشتی (را) ... در ظاهر بهانه نموده، لیلأ و نهارأ جمیعاً به اعظم جدّ و جهد در تدارکات حربیه می‌کوشند و اهالی مسکین آنچه به عرق جبین پیدا کرده اکثرش را باید انفاق این راه کنند و چقدر آلف از نفوس که صنائع نافع را ترک نموده، شب و روز به کمال همت در ایجاد آلت مضرّه جدیده که بیشتر از پیش‌تر سبب سفک دمآء ابناء جنس است مشغولند و هر روز آلت حرقه جدیده احداث و ایجاد کنند و دول مجبور بر این گردند که آلات حربیه قدیم را ترک نموده در تدارک آلات جدیده کوشند؛ چه‌که آلات حربیه قدیم با آلات حربیه جدید مقاومت ننمایند. □

حضرت بهاء‌الله می‌فرماید: □ باید وزرای بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظه فارغ و آزاد شود. این فقره لازم و واجب چه که محاربه و مجادله اسّ زحمت و مشقت است. □ (لوح دنیا، مجموعه الواح طبع مصر، ص 292)

حضرت عبدالبهاء در خطابه 17 نوامبر 1912 در نیویورک می‌فرماید: □ پدرها، مادرها و اطفال در حزن و ماتم؛ خشونت‌های جنگ اساس حیات را واژگون، بلاد را خراب و اراضی حاصل‌خیز را بایر و لمیزرع نموده. این اوضاع و شرایط نتیجه خصومت و نفرت بین ملل و امم ادیان است که طریق تقلید طی کنند و به صور ظاهری تمسک بسته روح و حقیقت تعالیم الهی را نقض نمایند. □ (ترجمه — *Promulgation of Universal Peace*، ص 439)

حضرت عبدالبهاء در خطابه 13 مه 1912 می‌فرماید: □ در ادوار ماضیه اگر دو ملت وارد جنگ با یکدیگر می‌شدند، ده یا بیست هزار نفس قربانی می‌شد. لکن در این قرن انعدام صد هزار نفس در یک یوم میسر و ممکن. علم قتال تکامل یافته و وسائط و آلات تکامل پیدا کرده که می‌تواند در مدتی کوتاه یک ملت را محو و زائل سازد. □ (ترجمه — *Promulgation of Universal Peace*، ص 124 — 123)

حضرت ولی‌امرالله می‌فرماید: □ بار سنگین و یأس‌آوری که خیل روزافزون بیکاران بر دوش دول و ملل نهاده‌اند، مسابقه ناهنجار و عنان‌گسیخته تسلیحات که هر روز بیشتر از پیش دارای ملل فقیر محنت زده را می‌بلعد ... □ (نظم جهانی بهائی، ص 44)

حضرت ولی‌امرالله می‌فرماید: □ هیچ‌کس نیست که هر قدر ساده و سطحی باشد اذعان ننماید که حسن انتقام‌جویی و سوءظن و ترس از رقابت ناشی از جنگ که همه را معاهده صلح تثبیت و ترویج کرده سبب شده است که مسابقه تسلیحاتی ازدیاد یابد، چنان که مبلغی گزاف بیش از یک‌هزار میلیون لیره در یک سال گذشته [۱۹۳۰] فقط صرف تسلیحات شده که این خود رکود و کساد بازار اقتصاد را به بار آورده است. □ (نظم جهانی بهائی، ص 48)

حضرت ولی‌امرالله می‌فرماید: □ نیروهای عظیمی که در راه جنگ‌های اقتصادی و سیاسی به هدر می‌رود از آن پس معطوف به اهداف لایقی از قبیل توسعه اختراعات و ترقیات فنی و ازدیاد تولیدات و محصولات بشری و ازاله امراض و توسعه تحقیقات علمی و بالا بردن سطح صحت و تشحیذ و اعتلاء مغز و فکر بشری و بهره‌مندی از منابع بکر و ناشناخته کره زمین و درازی عمر انسان گردد و به ترویج هر وسیله‌ای که حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع انسان را تقویت‌کنند پردازد. □ (نظم جهانی بهائی، ص 156)



## 28. مخازن عمومی و مالیات

### مخزن عمومی (قریه)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ راه حلّ از قریه شروع می‌شود و وقتی که نظام قریه تجدید شد، بعد بلاد نیز تجدید خواهند شد. و طریق کار این است که در هر قریه یک مخزن عمومی ایجاد گردد. در لسان دیانت به آن «بیت‌المال» اطلاق می‌گردد. این یک مخزن عمومی است که از قریه شروع می‌شود. اداره آن توسط انجمنی از عقلای جامعه صورت می‌گیرد و با تصویب این انجمن جمیع امور هدایت می‌شود. □ (ترجمه — جلد چهارم عالم بهائی، ص 450)

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک خطاب به مسس پارسنز می‌فرماید: □ باری، در هر قریه‌ای باید که از عقلاء آن قریه انجمنی تشکیل شود که قریه در زیر اداره آن انجمن باشد. □ (لوح مبارک حضرت عبدالبهاء خطاب به خانم پارسونز، بدایع الآثار، ج 1، ص 190/ پیام ملکوت، ص 135)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ همچنین یک مخزن عمومی تأسیس شود و کاتبی تعیین گردد و در وقت خرمن به معرفت آن انجمن از حاصلات عموم مقادیری معین به جهت آن مخزن گرفته شود. □ (لوح مبارک حضرت عبدالبهاء خطاب به خانم پارسونز، بدایع الآثار، ج 1، ص 190/ پیام ملکوت، ص 135)

و نیز در یکی از الواح مبارک خطاب به یکی از احباء به تاریخ 25 جولای 1919 می‌فرماید: □ انجمن مالیه (مخزن) در هر قریه عایدات مخزن از قبیل عشریه، رسوم حیوانات و غیره را هدایت می‌کند. در هر قریه‌ای مخزنی باید ایجاد شود و مسئولی تعیین گردد و عقلای قریه جمع شوند و انجمنی تشکیل شود و هدایت امور قریه به این انجمن و مسئول مزبور سپرده شود. آنها مسئولیت کلیه مسائل مربوط به قریه و عایدات مخزون از قبیل عشریه، رسوم حیوانات و سایر واردات آن را به عهده می‌گیرند و صرف مصارف ضروریه خواهند نمود. □ (ترجمه — ترجمه انگلیسی این بیان مبارک توسط معهد اعلیٰ برای مؤلف ارسال شده است.)

### مخزن عمومی (مدینه)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورخ سال 1912 در مونترال کانادا می‌فرماید: □ طبیعی است که در بلاد عظیمه، نظامی در مقیاسی وسیع‌تر وجود خواهد داشت. اگر به تفصیلات آن مشغول شوم بسیار طولانی خواهد شد. □ (ترجمه — *Foundations of World Unity*، ص 41)

### مخزن عمومی (واردات)

حضرت عبدالبهاء در لوح خطاب به مسس پارسنز می‌فرماید: □ این مخزن هفت واردات دارد: واردات عشریه، رسوم حیوانات، مال بی‌وارث، لقطه یعنی چیزی که یافته شود و صاحب نداشته باشد، دفینه اگر پیدا شود ثلثش راجع به این مخزن است، معادن ثلثش راجع به این مخزن است و تبرّعات. □ (لوح مبارک حضرت عبدالبهاء خطاب به خانم پارسونز، بدایع الآثار، ج 1، ص 190/ پیام ملکوت، ص 135)

و نیز در لوحی خطاب به یکی از احباء می‌فرماید: □ و اما واردات مخزن؛ بیت‌العدل باید به هر وسیله ممکن، یعنی هر وسیله عادلانه، سعی کند وجوه مزبور را از دیاد بخشد. □ (ترجمه — ترجمه انگلیسی این بیان مبارک توسط معهد اعلیٰ برای مؤلف ارسال شده است.)

بیانات حضرت عبدالبهاء که جرج لتیمر در کتاب "نور عالم" ثبت کرده چنین است: □ اول آنچه اعانات لازم است، آنها از بانک به ربح معین اخذ کنند. مثلاً با تنزیل سه درصد از بانک اخذ کنند و به چهار درصد به عامه بدهند. هر زارعی که به ابزار و وسائل احتیاج داشته باشد، آنها جمیع ملزومات را برای او مهیا کنند. وقتی محصول برداشت شود این اولین عایدی مخزن است. اما اخذ این عایدی توزیع مساوی ندارد. مثلاً، محصول شخصی هزار کیلو است و این فقط تکافوی مایحتاج و معاش او کند. از او چیزی گرفته نمی‌شود. اگر گرفته شود، او محتاج شود و گرسنه ماند اما ممکن است مایحتاجش هزار کیلو باشد و عایدش دو هزار کیلو. از او یک عشر گرفته می‌شود. دیگری دو هزار کیلو احتیاج دارد، اما عایدش ده هزار کیلو است. از او دو عشر گرفته می‌شود. او دو هزار کیلو احتیاج دارد. اگر دو هزار کیلو هم عشریه گرفته شود باز هم شش هزار کیلو باقی می‌ماند. دیگری پنجاه هزار کیلو دارد؛ از او سه عشر گرفته شود. دیگری ممکن است ده هزار کیلو مصارفاتش باشد، اما صد هزار کیلو عایدی داشته باشد؛ از او پنج عشر گرفته می‌شود. هر چه عایدی بیشتر باشد، نسبت [مالیات] از دیاد یابد.

ثانی رسوم حیوانات است. به تناسب عایدی از حیوانات [دامداری — م] اخذ شود. فی‌المثل، اگر چنانچه کسی که دارای دو گاو است، دو گاو برای مصارفاتش لازم داشته باشد، چیزی از او گرفته نمی‌شود. هر چه بیشتر داشته باشد، بیشتر از او گرفته می‌شود. این عایدی ثانی است.

ثالث عایدی مخزن از مال بی‌وارث حاصل می‌شود.

عایدی رابع از معادن است. اگر معدنی در اراضی متعلق به شخصی یافت شود، ثلثش راجع به او و بقیه راجع به مخزن است.

عایدی خامس دفینه [گنج پنهان شده — م] است. اگر شخصی دفینه‌ای بیابد نصف آن را بردارد و نصف دیگر به مخزن می‌رسد.

عایدی سادس، اگر مال بی‌صاحب [لقطه — م] در راه یافت شود، نصف آن به این مخزن راجع است.

عایدی سابع عبارت از تبرّعات اختیاری است. یعنی آنچه که اشخاص به اختیار خود در منتهای رغبت به مخزن بدهند. اینها واردات هفت‌گانه است. □ (نقل ترجمه از صفحه 37 — 36 ترجمه فارسی کتاب "نور عالم" [منتشر نشده] — متن انگلیسی در جلد چهارم عالم بهائی، ص 450)

### مخزن عمومی (مصارف)

حضرت عبدالبهاء در لوح خطاب به مسس پارسنز می‌فرمایند: □ خلاصه هفت مصرف دارد: اول مصارف معتدله عمومی مانند مصارف مخزن و اداره صحّت عمومی؛ ثانی ادای عشر حکومت؛ ثالث ادای رسوم حیوانات به حکومت؛ رابع اداره ایتم؛ خامس اداره اعاشه عجزه؛ سادس اداره مکتب؛ سابع اكمال معیشت ضروریه فقرا. □ (مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء، 3 جلد در یک جلد، طبع آلمان، ص 760)

بیانات حضرت عبدالبهاء که جرج لتیمر در کتاب "نور عالم" ثبت کرده است: □ اینها واردات هفت‌گانه است، اما هفت مصارف معین هم دارد:

اول ادای عشر حکومت به خزانه عمومی برای مصارفات عمومی؛ ثانی اكمال معیشت ضروریه فقرا؛ فقرایی که احتیاج دارند، نفوسی که معافند، نه کسانی که عاطل و باطلند. مثلاً اگر محصول نفسی طعمه حریق شود یا در امور تجارت متضرر گردد و به این سبب فقیر شود، باید از این نفوس فقیر و محتاج مراقبت شود؛ ثالث اداره اعاشه عجزه است؛ یعنی نفوسی که میل دارند کار کنند اما ناتوانند. رابع، اداره ایتم است؛ به آنها هم باید مساعدت و اعانت شود. خامس اداره مکتب

است؛ مدارس باید جهت تعلیم و تربیت اطفال تأسیس و اداره شود. سادس اداره امور نفوس ناشنوا و نابینا است. سابع اداره صحت عمومی است. هر آنچه که برای صحت عمومی ضرورت داشته باشد، باید مهیا گردد. □ (نقل ترجمه از متن فارسی کتاب "نور عالم"، ص 37 / متن انگلیسی در جلد چهارم عالم بهائی، ص 450)

### صندوق ملی

بیانات حضرت عبدالبهاء که جرج لیتمر ثبت کرده است: □ اگر (بعد از این مصارفات) چیزی زیاد بماند، آن را باید نقل به صندوق بیت‌العدل اعظم کرد. چه‌که قریه دیگر احتیاج ندارد. نفوس گرسنه نمانند، هیچ‌کس بدون لباس نماند. همه در منتهای راحتی و سرور باشند. □ (نقل ترجمه از صفحه 38 متن فارسی "نور عالم")

حضرت عبدالبهاء در خطابه 1912 در مونترال کانادا می‌فرماید: □ از زار عین مراقبت به عمل خواهد آمد. اگر بعد از این مصارفات در مخزن وجوه اضافی باقی بماند باید به صندوق عمومی ملت انتقال یابد. □ (ترجمه — *Foundations of World Univiyt*، ص 40)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ اگر وجهی در مخزن باقی بماند، باید برای مصارفات عمومی ملی به مخزن عمومی انتقال یابد. □ (ترجمه — لوح مبارک خطاب به یکی از احناء به تاریخ 4 اکتبر 1912 که توسط بیت‌العدل اعظم برای مؤلف ارسال شده است.)

### انجمن امناء

حضرت عبدالبهاء در خطابه 1912 مونترال کانادا می‌فرماید: □ جمعی معین از امناء توسط اهالی قریه انتخاب می‌شوند تا این معاملات را اجرا نمایند. □ (ترجمه — *Foundations of World Unity*، ص 40)

### 29. احتکار

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ در آینده احتکار باقی نمی‌ماند. مسأله احتکار به کلی به هم می‌خورد. □ (پیام ملکوت، ص 150)

### 30. مالیات

حضرت بهاء‌الله می‌فرماید: □ یا معشر الملوك، إننا نراكم فی كل سنة تزددون مصارفكم و تحملوها على الرعية. إن هذا إلا ظلم عظیم. اتقوا زفرات المظلوم و عبراته و لاتحملوا على الرعية فوق طاقتهم و لاتخربوهم لتعمیر قصوركم. أن اختاروا لهم ما تختارونه لأنفسكم. □ (الواح نازل خطاب به ملوك و رؤسای ارض، ص 137)

حضرت عبدالبهاء در خطابه 1912 مونترال کانادا می‌فرماید: □ فی‌المثل ملاحظه می‌کنیم که عایدات سنوی او و نیز مصارف وی چه میزان است. بعد، اگر عایدات او با مصارف مساوی باشد از چنین زارعی هیچ مالیات گرفته نمی‌شود یعنی او مشمول هیچ مالیاتی نیست، چه‌که کل عایدی خود را لازم دارد. زارع دیگر ممکن است مصارفش فرضاً به هزار دلار و عایداتش به دو هزار دلار بالغ گردد. از چنین شخصی یک عشر مطالبه می‌شود، چه که او مازاد دارد. لکن اگر عایدات او ده هزار دلار باشد و مصارفش هزار دلار، یا عایداتش بیست هزار دلار او باید یک ربع مالیات تأدیه کند. اگر عایداتش صد هزار دلار و مصارفش پنج هزار دلار باشد، باید ثلث

بپردازد؛ چه که باز هم مازاد دارد، چه که مصارف پنج هزار و عایدی اش صد هزار. اگر او فرضاً سی و پنج هزار دلار علاوه بر مصارف پنج هزار دولاری اش بپردازد، باز شصت هزار برای او باقی می‌ماند. لکن اگر مصارف ده هزار و عایدی اش دو بیست هزار باشد، باید حتی نصف ادا کند، زیرا در این حالت تنمّه موجودی او نود هزار خواهد بود. با این میزان نسبت مالیات‌ها تعیین خواهد شد. جمیع عایدات حاصله از این وجوه به مخزن عمومی وارد خواهد شد. □ (ترجمه — *Foundations of World Unity*، ص 40)

و نیز در خطابه مورّخ اوّل جولای 1912 در نیویورک می‌فرمایند: □ هر نفسی در جامعه که احتیاجات او معادل ظرفیت تولید فردی او باشد از ادای مالیات معاف خواهد بود. لکن اگر عایدی او زیاده از احتیاج او باشد، باید بپردازد. ظرفیت تولید و احتیاجات شخص از طریق مالیات، تعدیل خواهد شد. اگر تولید او تجاوز نماید مالیات خواهد پرداخت. اگر احتیاجات ضروریه اش از تولید او متجاوز باشد، مبلغی وصول می‌کند تا با احتیاجاتش مساوی گردد یا تعدیل شود. لهما، اخذ مالیات متناسب با ظرفیت و تولید خواهد بود و دیگر فقیر و محتاج در جامعه وجود نخواهد داشت.

همچنین، حضرت بهاء الله به اغنیا تکلیف کرده‌اند که به اختیار خویش به فقرا بذل و بخشش نمایند. نیز، در کتاب اقدس آن حضرت نازل فرموده‌اند نفسی که دارای میزان معینی درآمد هستند باید یک پنجم آن را به خداوند، خالق سموات و ارض، ادا نمایند. □ (ترجمه — *The Promulgation of Universal Peace*، ص 217)

### 31. نرخ بهره

حضرت بهاء الله در لوح مبارک اشراقات می‌فرمایند: □ ... اکثری از ناس محتاج به این فقره مشاهده می‌شوند. چه اگر ربحی در میان نباشد، امور معطل و معوق خواهد ماند. نفسی که موفق شود با همجنس خود و یا هموطن خود و یا برادر خود مدارا نماید و یا مراعات کند، یعنی به دادن قرض الحسن، کمیاب است؛ لذا فضلاً علی العباد ربا را مثل معاملات دیگر که مابین ناس متداول است قرار فرمودیم، یعنی ربح نقود ... حلال و طیب و طاهر است ... و لکن باید این امر به اعتدال و انصاف واقع شود. قلم اعلی در تحدید آن توقّف نموده حکمه من عنده و وسعه لعباده و نوصی اولیاء الله بالعدل و الإنصاف و مایظهر به رحمة احبائه و شفقتهم بینهم ... و لکن اجرای این امور به رجال بیت‌عدل محوّل شده تا به مقتضیات وقت و حکمت عمل نمایند ... □ (مجموعه اشراقات، ص 85)

### 32. ثروت و غنا

حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیّه (ص 31) می‌فرمایند: □ غنا منتهای ممدوحیت را داشته اگر به سعی و کوشش نفس خود انسان در تجارت و زراعت و صناعت، به فضل الهی، حاصل گردد و در امور خیریه مصرف شود و علی‌الخصوص اگر شخصی عاقل و مدبّر تشبّث به وسائلی نماید که جمهور اهالی به ثروت و غنای کلی برساند همتی اعظم از این نه و عندالله اکبر ثنوبات بوده و هست. چه که این همت بلند سبب آسایش و راحت و سدّ احتیاجات جمع غفیری از عباد حق گردد. ثروت و غنا بسیار ممدوح اگر هیأت جمعیت ملت غنی باشد. و لکن اگر اشخاص معدوده غنای فاحش داشته و سائرین محتاج و مفتقر و از آن غنا اثر و ثمری حاصل نشود، این غنا از برای آن غنی خسران مبین است. ولی اگر در ترویج معارف و تأسیس مکاتب ابتدائیه و مدارس و صنایع و تربیت ایّام و مساکین، خلاصه در منافع عمومیّه صرف نماید، آن شخص عندالحق و الخلق بزرگوارترین سگان زمین و از اهل اعلی علیین محسوب. □

## الف) توزیع ثروت

حضرت ولی‌امرالله در توقیع "هدف نظم بدیع جهانی" می‌فرماید: □ هیچ شخص بی‌طرفی تردید ندارد که تعهدات مالی که در دوره جنگ جهانی به وجود آمد و نیز طوق سنگین غرامت‌هایی که بر گردن ملل مغلوب افتاد غالباً سبب توزیع نامتناسب طلا و بالنتیجه کمبود آن به عنوان پشتوانه پول شد که این نیز به نوبه خود علت تنزل فاحش قیمت‌ها گردید و بر سنگینی بار کشورهای فقیر افزود. □ (نظم جهانی بهائی، ص 47)

## ب) تحدید ثروت

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورخ 23 جولای 1912 می‌فرماید: □ قلوب باید به یکدیگر متصل گردد. محبت باید آن‌چنان مستولی گردد که اغنیاء با مُنتهای میل و رغبت به مساعدت فقرا قیام کرده درجهت تحقق این تعدیلات دائمی اقتصادی اقدام کنند. اگر این امر به این طریق حاصل شود، بسیار مدوح و مقبول است. چه که در این صورت لله و در سبیل خدمت الهی خواهد بود. □ (ترجمه — *The Promulgation of Universal Peace*، ص 239)

حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات مبارک می‌فرماید: □ جائز نیست که بعضی در نهایت غنا باشند و بعضی در نهایت فقر. باید اصلاح کرد و چنان قانونی گذارد که از برای کلّ وسعت و رفاهیت باشد نه یکی به فقر مبتلا و نه یکی نهایت غنا را داشته باشد... و همچنین مملکت باید نوعی باشد که به موجب شریعت‌الله هر گونه آسایش داشته باشد. □ (خطابات مبارکه، ج 1، ص 172)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ 7 می 1912 در پنسیلوانیا می‌فرماید: □ اغنیاء نیز باید نسبت به فقرا رحیم و کریم باشند و بدون اجبار و در نهایت اختیار و میل و رغبت در رفع حوائج آنها قدم بردارند. □ (ترجمه — *The Promulgation of Universal Peace*، ص 107)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ اعظم وسیله منع آن‌که قوانین جامعه به نحوی وضع و تدوین شود که ممکن نباشد معدودی به غایت ثروتمند باشند و نفوس کثیری در رنج و محنت بمانند. یکی از تعالیم حضرت بهاء‌الله تعدیل معیشت در جامعه بشری است. با این تعدیل، دیگر نهایت غنا و فقر و مشقت در جامعه بشری وجود نخواهد داشت. □ (ترجمه — *The Promulgation of Universal Peace*، ص 216)

حضرت ولی‌امرالله می‌فرماید: □ نابرابری اجتماعی نتیجه قهری نابرابری طبیعی ابناء بشر است. افراد بشر از لحاظ توانائی تفاوت دارند و لهذا باید در مقام و موقف اجتماعی و اقتصادی نیز متفاوت باشند اما فقر و ثروت فاحش باید بالمره زائل گردد. □ (ترجمه — مکتوب 26 ژانویه 1935 از طرف حضرت ولی‌امرالله به یکی از احباء، *Directives from the Guardian*، ص 20 / انوار هدایت، شماره 1865)

## 33. اعتدال

حضرت بهاء‌الله در ورق نهم از کلمات فردوسی می‌فرماید: □ ... هر امری از امور اعتدالش محبوب؛ چون تجاوز نماید سبب ضرر گردد. در تمدن اهل غرب ملاحظه نمایید که سبب اضطراب و وحشت اهل عالم شده. آلت جهتمیه به میان آمده و در قتل وجود شقاوتی ظاهر شده که شبه آن را چشم عالم و آذان امم ندیده و نشنیده. □ (مجموعه اشراقات، ص 123)

و نیز می‌فرماید: □ اتقوا الله و لا تُسرفوا فی شیءٍ و لا تكوننَّ مِنَ المُسرفین. □ (الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص 8)

### 34. رفاه و آسایش

حضرت عبدالبهاء در خطابه 1912 مونترال کانادا می‌فرماید: □ و اما تعاون و تعاضد؛ هر عضوی از هیأت اجتماعی باید در نهایت راحتی و آسایش باشد، چه که هر فردی از عالم انسانی عضوی از هیأت اجتماعی است و اگر عضوی از اعضاء در مشقت و مبتلا به امراض باشد، جمیع اعضاء دیگر بالضروره باید در رنج و محنت باشند. □ (ترجمه — *Foundations of World Unity*، ص 38)

و نیز می‌فرماید: □ رضایت الهیه در آسایش جمیع اعضاء عالم انسانی است. □ (ترجمه — *Foundations of World Unity*، ص 41)

مرکز میثاق در خطابه 9 جون 1912 در معبد بابتیست پنسیلوانیا می‌فرماید: □ حضرت بهاء الله تعالیم و اصول هدایت کننده برای تعدیل معیشت را بنیان نهاد. قواعدی توسط ایشان نازل شد که راحت و آسایش جامعه متحد را تأمین و تضمین می‌فرماید. □ (ترجمه — *The Promulgation of Universal Peace*، ص 181)

حضرت عبدالبهاء در خطابه 28 ماه می 1912 در معبد متروپولیتن نیویورک می‌فرماید: □ اخوت بشری و وابستگی نوع انسان موجود و برقرار است چه که مساعدت و تعاضد متقابل دو اصل ضروری است که مبنای رفاه و آسایش انسان است. □ (ترجمه — *The Promulgation of Universal Peace*، ص 150)

### 35. فقرا و محتاجان

حضرت بهاء الله در لوح مبارک دنیا می‌فرماید: □ باید از شما ظاهر شود آنچه که سبب آسایش و راحت بیچارگان روزگار است. □ (مجموعه الواح طبع مصر، ص 286)

جمال مبارک خطاب به ملوک می‌فرماید: □ ثم اعلموا بأنَّ الفقراء اماناتُ الله بینکم. ایاکم أن لاتخونوا فی اماناته و لاتظلموهم و لاتکوننَّ مِنَ الخائنین. سئسئلون عن امانته فی یوم الذی تُنصَبُ فیهِ میزانُ العدلِ و یؤتی کُلَّ ذی حقِّ حقَّه و یوزنُ فیهِ کُلُّ الأعمالِ من کُلِّ غنیٍّ و فقیر. □ (الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص 9)

جمال قدم در کتاب اقدس (بند 147) می‌فرماید: □ قد کُتِبَ عَلَی الْکُلِّ أن یکسبَ و الذی عجز فللوکلاء و الاغنیاء أن یعینوا له ما یکفیه. □

جمال قدم می‌فرماید: □ یا ابن البشر، إن أصابتک نعمة لاتفرح بها و إن تمسکَ ذلَّةٌ لاتحزن منها. لأنَّ کلَّیہما تزولان فی حینٍ و تبیدان فی وقتٍ. □ (مجموعه الواح طبع مصر، ص 28)

و نیز می‌فرماید: □ یا ابن الوجود، إن یمسکَ الفقرُ لاتحزن؛ لأنَّ سلطانَ الغنی ینزلُ علیک فی مَدَى الأیام و مِنَ الذلَّةِ لاتخف؛ لأنَّ العزَّة تُصیبُک فی مدی الزمان. □ (همان)

و نیز می‌فرماید: □ یا ابن الإنسان، أنفق مالی علی فقرائی لِتُنْفَقَ فی السَّماءِ من کنوزِ عزِّ لاتفنی و خزائنِ مجدٍ لاتبلی و لکن و عمری انفاقِ الرُّوحِ أجمل لو تُشاهدُ بعینی. □ (همان)

و نیز می‌فرماید: □ ای پسران تراب، اغنیا را از ناله سحرگامی فقرا اخبار کنید که مبادا از غفلت به هلاکت افتند و از سدره دولت بی‌نصیب مانند. *الكرم و الجود من خصالی؛ فَهَنِيئًا لِمَنْ تَزِين بخصالی.* □ (همان، ص 387)

و نیز می‌فرماید: □ ای پسر کنیز من، در فقر اضطراب نشاید و در غنا اطمینان نیاید. هر فقری را غنا در پی و هر غنا را فنا از عقب. ولکن فقر از ماسوی الله نعمتی است بزرگ؛ حقیر شمارید. زیرا که در غایت آن غنای بالله رخ بگشاید و در این مقام «انتم الفقرا» مستور و کلمه مبارکه «و الله هو الغنی» چون صبح صادق از افق قلب عاشق ظاهر و باهر و هویدا و آشکار شود و بر عرش غنا متمکن گردد و مقرّ یابد. □ (همان، ص 388)

و نیز می‌فرماید: □ ای اغنیای ارض، فقرا امانت منند در میان شما، پس امانت مرا درست حفظ نمایید و به راحت نفس خود تمام نپردازید. □ (همان، ص 389)

و نیز می‌فرماید: □ یا ملأ الأغنیا، إن رأیتم من فقیر ذی متربۃ لاتفرّوا عنه؛ ثمّ اقعدوا معه و استفسروا منه عمّا رشح علیه من رشحات ابحر القضاء. □ (آثار قلم اعلیٰ، ج 4، ص 115)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ در این صورت از جمیع ایتم مراقبت و جمیع مصارف و مخارج آنها تأمین خواهد شد. مخارج عزای قریه تهیه خواهد گردید. مصارف ضروری فقرای قریه تأدیه خواهد شد و سایر اعضاء جامعه، که به دلائل متقنه عاجز و ناتوانند، مانند نابینایان، سالخوردگان و ناشنوایان از راحت و آسایش برخوردار خواهند شد. در قریه احدی باقی نخواهد ماند که محتاج و نیازمند باشد. □ (ترجمه — *Foundations of World Unity*، ص 40)

و در خطابه 19 می 1912 در نیوجرسی می‌فرماید: □ ثروتمندان و همچنین فقرا از این شرایط جدید اقتصادی نصیب خواهند برد. زیرا به علت شرایط و محدودیت‌های معیّنه، آنها قادر به افراط در جمع‌آوری ثروت نخواهند بود که از اداره آن عاجز بمانند. در آن حال، فقرا از فشار فقر و مشقّت راحت خواهند شد. ثروتمند در کاخ خود مسرور و فقیر نیز در کلبه راحت خویش راضی و شکور. □ (ترجمه — *The Promulgation of Universal Peace*، ص 132)

حضرت عبدالبهاء در خطابه اول جولای 1912، در نیویورک، می‌فرماید: □ عندالله چه امری احبّ از آن که انسان به حال فقرا فکر کند؟ چه که فقرا محبوب آب سماوی هستند. زمانی که حضرت مسیح بر وجه ارض ظاهر شد، کسانی که به او ایمان آوردند و از او تبعیت کردند نفوسی فقیر و ذلیل بودند. آنها ثابت کردند که فقراء مقرّب ساحت الهی هستند. □ (ترجمه — *The Promulgation of Universal Peace*، ص 216)

حضرت بهاء الله می‌فرماید: □ ولکن باید اولوالغنی به فقرا ناظر باشند چه که شأن صابرين از فقرا عندالله عظیم بوده؛ و عمری لایعاده شأن الا ما شاءالله. طوبی لفقیر صبر و ستر و لغنی انفق و اثر. ان شاءالله باید فقرا همت نمایند و به کسب مشغول شوند و این امری است که بر هر نفسی در این ظهور اعظم فرض شده و از اعمال حسنه عندالله محسوب و هر نفسی عامل شود البتّه اعانت غیبیه شامل او خواهد شد. انّه یعنی من یشاء بفضلہ انّه علی کلّ شیء قدیر. □ (اقتدارات، صفحات 292 — 293)

حضرت ولی امر الله می‌فرماید: □ و اما راجع به سؤال شما در خصوص اعانت به فقرا؛ اهل بهاء اگر قادر و مایل به اعانت به محتاجان و مستمندانند نباید تا آنجا پیش بروند که از مساعدت به آنها خودداری نمایند اما در این کار نیز مثل سایر امور باید اعتدال را رعایت نمایند. بزرگترین هدیه‌ای که ما می‌توانیم به فقرا، محرومین و ستمدیدگان بدهیم کمک به استقرار مؤسسات الهی است که حضرت بهاء الله در این یوم مبارک ابداع فرموده‌اند زیرا این مؤسسات و این نظم جهانی وقتی که استقرار یابند علل فقر و بی‌عدالتی را که فقرا را مبتلا ساخته محو و زائل خواهند کرد. لذا، هم باید از صندوق امر مبارک حمایت کنیم و هم نسبت به محتاجان مهربان و سخاوتمند باشیم. □ (ترجمه

### 36. امور خیریه و اوقاف

حضرت ولی امرالله می فرماید: □ این تعلیم امر مبارک در مورد همدلی و محبت انسانی دال بر آن است ما همواره باید آماده باشیم هر قسم کمک و مساعدتی را که در وسع و استطاعت ما است به نفوس مبتلا به مصیقه و درد و رنج و محنت عرضه نماییم. احسان و خیرات جوهر تعالیم الهی است و لذا باید در کلیه جوامع بهائی بسط و توسعه یابد. مؤسسات خیریه مانند دارالایتام، مدارس و بیمارستان ها از اجزاء لایتجزای مشرق الاذکار است. مسئولیت هر یک از جوامع محلی بهائی است که به هر وسیله ممکن، از رفاه و آسایش اعضاء فقیر و نیازمند خود اطمینان حاصل نماید.

اما، البته این توسعه دایره مساعدت به فقرا، به هر شکلی که باشد، تحت هیچ شرایطی نباید اجازه داد به طور جدی با مصالح و منافع کلی و جمعی جامعه بهائی، که با مصالح کاملاً شخصی اعضاء جامعه متفاوت و از آن متمایز است، تداخل نماید. مقتضیات و نیازهای امر مبارک افضل از نیازهای افراد است و لهذا باید مرجح شمرده شود. اما این دو وجه حیات اجتماعی بهائی اگر چه حائز اهمیت یکسان نیستند، به هیچ وجه متناقض هم نیستند. هر دو لازمند و باید مورد توجه قرار گیرند اما هر یک منطبق با درجه اهمیت خود. این مسئولیت به عهده محافل روحانی است که تعیین نمایند چه زمانی منافع فردی باید تحت الشعاع مواردی قرار گیرد که بر رفاه و آسایش جمعی جامعه اثر می گذارد اما همان طور که قبلاً گفته شد، مصالح فرد نیز همیشه باید در محدوده ای معین محافظت شود، مشروط بر آن که به طور جدی به رفاه و آسایش کل لطمه نزند. □ (ترجمه — مکتوب 26 ژوئن 1936 از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره 411)

حضرت بهاء الله در کلمات مبارکه فردوسی می فرماید: □ انفاق عندالله محبوب و مقبول و از سید اعمال مذکور. انظروا ثم اذکروا ما انزلهُ الرَّحْمَنُ فِی الْفَرَقَانِ «وَّ يُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ وَّلَوْ كَانْ بِهْمْ حَاصَصَةٌ وَّ مَنْ یُوقْ شَحْ نَفْسِهٖ فَاُولٰٓئِکَ هُمُ الْفٰنِزُونَ»<sup>(1)</sup> فی الحقیقه، این کلمه مبارکه در این مقام آفتاب کلمات است. طوبی لمن اختار آخاه علی نفسه اینه من اهل البهائ فی السقینه الحمراء من لدی الله العظیم الحکیم. " (مجموعه اشراقات، ص 126)

[ (1) سوره حشر، آیه 9. در قرآن به جای "الفائزون" واژه "المفلحون" آمده است.]

حضرت بهاء الله در بشارت چهاردهم از لوح بشارات می فرماید: □ شد رحال مخصوص زیارت اهل قبول لازم نه. مخارج آن را اگر صاحبان قدرت و وسعت به بیت عدل برسانند عندالله مقبول و محبوب. نعیماً للعاملین. □ (مجموعه الواح طبع مصر، ص 123)

حضرت بهاء الله در لوح دنیا می فرماید: □ جمیع رجال و نساء آنچه را که از اقتراف و زراعت و امور دیگر تحصیل نمایند، جزئی از آن را از برای تربیت و تعلیم اطفال نزد امینی ودیعه گذارند و به اطلاع امنای بیت عدل صرف تربیت ایشان شود. □ (مجموعه الواح طبع مصر، ص 292)

حضرت عبدالبهاء درباره نروز می فرماید: □ چون روز مبارکی است نباید آن روز را مهمل گذاشت، بی نتیجه نمود که ثمر آن روز محصور در سرور و شادمانی ماند. در چنین یوم مبارکی باید تأسیس مشروعی گردد که فوائد و منافع آن از برای ملت دائمی ماند تا در السن و تاریخ مشهور و معروف گردد که مشروع خیری در فلان روز عید تأسیس یافت. پس باید دانایان تحقیق و تحرری نمایند که احتیاج ملت در آن روز به چه اصلاحی است و چه امر خیری لازم و وضع چه آسای از اساس سعادت ملت واجب تا آن اصلاح و آن امر خیر و آن اساس در آن روز تأسیس گردد.



... ملت اگر احتیاج به انتشار علوم دارد و توسعه دایره معارف لازم در آن روز در این خصوص قراری بدهند یعنی افکار عموم ملت را منعطف به آن امر خیر کنند و اگر چنانچه ملت احتیاج به توسعه دایره تجارت یا صنعت یا زراعت دارد در آن روز مباشرت به وسائلی نمایند که مقصود حاصل گردد یا آن که ملت محتاج به صیانت و سعادت و معیشت ایتم است از برای سعادت ایتم قراری بدهند و قس علی ذلک تأسیساتی که مفید از برای فقرا و ضعفا و درماندگان است تا در آن روز از الفت عموم و اجتماعات عظیمه نتیجه‌ای حاصل گردد و میمنت و مبارکی آن روز ظاهر و آشکار شود. □ (ایتم تسعه، ص 351)

### 37. زکات

حضرت بهاءالله می‌فرماید: □ و درباره زکات هم امر نمودیم كما نُزِّلَ فی الفرقان عمل نمایند. □ (رساله سؤال و جواب، شماره 107)

□ نظر به این که حدّ معافیت و نوع عایدات و موعد اداء زکات و حدّ نصاب در موارد مختلفه هیچ‌یک در قرآن مجید ذکر نشده است، لهذا اتخاذ تصمیم در این مسائل منوط به قرار بیت‌العدل اعظم در آینده است و تا آن زمان به فرموده حضرت ولی‌ام‌الله باید احباء در خور توانایی و مقدرات خویش مرتباً به صندوق‌های امری تبرّع نمایند. □ (یادداشت شماره 161 در منضمات کتاب اقدس، طبع مرکز جهانی، ص 214)

### 38. مواسات، اعظم از مساوات

حضرت عبدالبهاء در لوحی خطاب به اندرو کارنگی می‌فرماید: □ در تعالیم بهاءالله مواسات است و این اعظم از مساوات است. مساوات امری است مجبوری و لکن مواسات امری است اختیاری. کمال انسان به عمل خیر اختیاری است نه به عمل خیر اجباری و مواسات خیر اختیاری است و آن این است که اغنیا به فقرا مواسات نمایند یعنی انفاق بر فقرا کنند ولی به میل و اختیار خویش نه این که فقرا اغنیا را اجبار نمایند زیرا از اجبار اختلال حاصل گردد و انتظام امور بشر مختل شود؛ ولی مواسات، که آن انفاق اختیاری است سبب راحت عالم انسانی است؛ سبب نورانیّت عالم انسانی است؛ و سبب عزّت عالم انسانی است. □ (منتخباتی از مکاتیب، ج 1، ص 111)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ و از جمله تعالیم بهاءالله مواسات بین بشر است و این مواسات اعظم از مساوات است و آن این است که انسان خود را بر دیگری ترجیح ندهد بلکه جان و مال فدای دیگران کند اما نه به غُنف و جبر که این قانون گردد و شخصی مجبور بر آن شود بلکه باید به صرافت طبع و طیب خاطر مال و جان فدای دیگران کند و بر فقرا انفاق نماید یعنی به آرزوی خویش چنان که در ایران در میان بهائیان مجری است. □ (لوح لاهه، مکاتیب عبدالبهاء، ج 3، ص 107)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ در اصول بلشویکی مساوات به جبر و غُنف تنفیذ گردد. عامه مردمانی که با افراد صاحب مقام و طبقه ثروتمند مخالفند میل دارند در مزایای آنها سهیم شوند. در تعالیم الهی مساوات در اثر تمایل به سهیم کردن دیگران حاصل می‌شود. در رابطه با ثروت، توصیه بر این است که ثروتمندان و اشراف باید به اختیار خود و جهت حصول سعادت خویش به فکر مراقبت از فقرا باشند. این مساوات نتیجه سنجایی عالیّه و صفات شریفه نوع بشر است. □ (ترجمه — Foundations of World Unity، ص 44)

### 39. مدنیت الهیه

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورخ 6 مه 1912 در کلیولند اوهایو می‌فرمایند: □ مدنیت مادیه در نهایت ترقی است و حال احتیاج به مدنیت روحانیه است. مدنیت جسمانیه به تنهایی کفایت ننماید و انطباق با شرایط و احتیاجات عصر حاضر نتواند. فواید آن محدود به عالم ماده است. از برای روح انسان محدودیتی وجود ندارد چه که روح بنفسه در ترقی و تکامل است و اگر مدنیت الهیه تأسیس گردد روح ترقی یابد. □ (ترجمه — *The Promulgation of Universal Peace*، ص 101)

حضرت عبدالبهاء در همان خطابه مبارک می‌فرمایند: □ هر احساسات توسعه یافته بر فواید انسان بیفزاید. امکان اکتشاف حقایق یوماً فیوماً در ازدیاد است و نفوذ هدایت الهیه به نحوی دائم‌التزاید حصول یابد. جمیع آنچه ذکر شد منوط به شکل الهی مدنیت است ... استعداد نوع بشر امتحان شود و به مرتبه‌ای واصل گردد که برابری تحقق یابد. □ (ترجمه — همان، ص 102 — (101)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ 2 جون 1912 که در کلیسای آسانسیون نیویورک ایراد شده می‌فرمایند: □ تا به حال مدنیت جسمانیه توسعه یافته و حال باید به ترویج مدنیت الهیه پرداخت. مادام که این دو منطبق نباشند، سعادت حقیقی نوع بشر تحقق نیابد. فقط با توسعه قوای تعقل و استدلال، انسان به نهایت درجه کمال واصل نشود یعنی فقط با تعقل و تفکر به تنهایی به ترقیاتی که دیانت تحقق بخشد، واصل نگردد. □ (ترجمه — *The Promulgation of Universal Peace*، ص 170)

حضرت عبدالبهاء در خطابه 16 آپریل 1912، در هتل آسونیا نیویورک می‌فرمایند: □ حال که نفوس این اقلیم [آمریکا] به مدنیت جسمانیه عالییه واصل شده‌اند، امیدوارم که قوای روحانیه بتواند این جسم عظیم را حیات بخشد. □ (ترجمه — *The Promulgation of Universal Peace*، ص 20 — 19)

مرکز میثاق در لوح لاهه می‌فرمایند: □ و از جمله تعالیم حضرت بهاء‌الله این‌که هر چند مدنیت مادی از وسائط ترقی عالم انسانی است ولی تا منضم به مدنیت الهیه نشود نتیجه که سعادت بشریه است حصول نیابد. □ (مکاتیب عبدالبهاء، ج 3، ص 108)

و نیز در همان لوح مبارک نازل: □ مدنیت مادیه مانند زجاج است و مدنیت الهیه مانند سراج. زجاج بی سراج تاریک است. مدنیت مادیه مانند جسم است، ولو در نهایت طراوت و لطافت و جمال باشد، مرده است. مدنیت الهیه مانند روح است. این جسم به این روح زنده است و آلا جیفه گردد. پس معلوم شد عالم انسانی محتاج به نفثات روح القدس است. □ (مکاتیب عبدالبهاء، ج 3، ص 109)

#### 40. انقطاع

حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس (بند 54) می‌فرمایند: □ دعوا ما عندکم ثم طيروا بقوادم الإنقطاع فوق الإبداع كذلك يأمرکم مالک الإختراع الذی بحركة قلمه قلب العالمین. □

جمال‌قدم می‌فرمایند: □ لا ینفع الناس ما عندهم من الأثاث و ما ینفعهم غفلوا عنه. □ (کتاب اقدس، بند 40)

جمال‌مبارک می‌فرمایند: □ ای بنده من از بند ملک خود را رهایی بخش و از حبس نفس خود را آزاد کن. وقت را غنیمت شمر زیرا که این وقت را دیگر نبینی و این زمان را هرگز نیابی. □ (مجموعه الواح طبع مصر، ص 385)

و نیز می‌فرمایند: □ ای فرزند هوی، از آرایش غنا پاک شو و با کمال آسایش در افلاک فقر قدم گذار تا خمر بقا از عین فنا بیاشامی. □ (همان، ص 390)

حضرت بهاء الله در کتاب عهدی می‌فرماید: □ گنج نگذاشتیم و بر رنج نیفزودیم. ای‌الله در ثروت خوف مستور و خطر مکنون. انظروا ثم اذکروا ما أنزله الرحمن فی الفرقان: «وَيَلْ لَكَلْ هَمْزَةٌ لَمْزَةٌ أَلَذَى جَمْعُ مَالٍ وَ عَدَّةٌ». ثروت عالم را وفایی نه. آنچه را فنا اخذ نماید و تغییر پذیرد لایق اعتنا نبوده و نیست مگر علی قدر معلوم. □ (مجموعه الواح، طبع مصر، ص 399)

#### 41. عدالت

حضرت بهاء الله می‌فرماید: □ یا ابن الرّوح احبُّ الأشياء عندی الإنصاف. لا ترغّب عنه إن تكن الیّ راغباً و لا تغفل منه لتكون لی آمیناً و أنت تُوقِّفُ بذلک أن تشاهدَ الأشياءَ بعینک لا بعین العباد و تُعرفها بمعرفتک لا بمعرفة أحدٍ فی البلاد. فکّر فی ذلک کیف ینبغی أن یكون. ذلک من عطیتی علیک و عنایتی لک فاجعله أمام عینیک. □ (مجموعه الواح طبع مصر، ص 18 — 17)

در لوح طرازات، از قلم اعلی نازل: □ اصحاب انصاف و عدل بر مقام اعلی و رتبه اعلی قائمند. انوار پرّ و تقوی از آن نفوس مُشرق و لائح. امید آن‌که عباد و بلاد از انوار این دو نیر محروم نمانند. □ (مجموعه اشراقات، ص 152)

در کلمات فردوسیّه از قلم جمال‌قدم نازل: □ سراج عباد داد است. او را به بادهای مخالف ظلم و اعتساف خاموش منماید و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد. در این کلمه اعلی بحر حکمت الهی موج. دفاتر عالم تفسیر آن را کفایت ننماید. اگر عالم به این طراز مزین گردد شمس کلمه «یوم یغنی الله کلاً من سعته»\* از افق سماء دنیا طالع و مُشرق مشاهده شود. مقام این بیان را بشناسید که از اعلی ثمره شجره قلم اعلی است. □ (مجموعه اشراقات، ص 122)

[\*قرآن کریم، سوره نساء، آیه 129]

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ و از جمله تعالیم حضرت بهاء الله عدل و حقّ است. تا این در حیّز وجود تحقّق نیابد، جمیع امور مختل و معوق. □ (مکاتیب عبدالبهاء، ج 3، ص 109)

و نیز در خطابه سال 1912 در مونترال کانادا می‌فرماید: □ از خداوند مسألت می‌نمایم که به نفوس انسانی عدل و انصاف عنایت فرماید تا منصف باشند و در جهت حصول راحتی برای جمیع جدّ و جهد کنند تا هر یک از اعضاء جامعه بشری در کمال راحت و آسایش زندگانی نمایند. در این صورت این جهان مادی جنت ملکوت گردد، این عالم عنصری صورت آسمانی یابد و کلیه بندگان خدا در کمال روح و ریحان و مسرت و سعادت زندگانی نمایند. □ (ترجمه — Foundations of World Unity، ص 43)

حضرت عبدالبهاء در همان خطابه فوق می‌فرماید: □ فی الحقیقه، عموم ناس به بی‌انصافی و بی‌عدالتی عظیم مبتلا شده‌اند. □ (ترجمه — Foundations of World Unity، ص 143 — 144)

مرکز میثاق در یکی از خطابه‌ها می‌فرماید: □ دولت ممالک باید با قانون شریعت الله که عدل مساوی برای جمیع را مقرر می‌دارد، انطباق داشته باشد. تنها بدین طریق است که افراط مطلق در ثروت و محنت و فقر منحنط‌کننده و فاسد‌کننده زائل خواهد شد. تا چنین نگردد شریعت الهیه محلّ تمکین واقع نشود. □ (ترجمه — Paris Talks، ص 154)

و در خطابه دیگری می‌فرماید: □ و از جمله نتایج ظهور قوای روحانی آن‌که عالم انسانی خود را با شکل جدید اجتماعی منطبق سازد، عدالت الهیه در امور بشری ظاهر شود و برابری نوع انسان در سطح جهان تأسیس گردد ... جوهر این کلام آن‌که عدالت الهیه در شرایط و امور بشری ظاهر گردد و جمیع نوع انسان در زندگی خود راحت و آسایش یابند. □ (ترجمه — The Promulgation of Universal Peace، ص 132)

## 42. ارث

در ملحقات کتاب اقدس، طبع مرکز جهانی، ص 89 به بعد آمده است:

**الف.** طبقاتی که ارث می‌برند:

اولاد	1080 سهم از 2520 سهم
زوج یا زوجه	390 سهم از 2520 سهم
پدر	330 سهم از 2520 سهم
مادر	270 سهم از 2520 سهم
برادر	210 سهم از 2520 سهم
خواهر	150 سهم از 2520 سهم
معلم	90 سهم از 2520 سهم

**ب.** .....

**ج.** سهم اولاد در شرایط خاص

- اگر متوفی ذریه نداشته باشد سهم اولاد به بیت العدل راجع است تا جهت ایتم و ارامل و امور خیریه صرف شود.
- در صورتی که پسر شخص متوفی وفات یافته و از او ذریه‌ای باقی باشد، ذریه مذکور سهم پدرشان را به ارث می‌برند ولی اگر دختر متوفی در گذشته و از او ذریه‌ای باقی مانده باشد، سهم مادرشان باید طبق حکم کتاب اقدس به هفت طبقه مصرح در کتاب تقسیم شود.
- اگر از متوفی ذریه موجود ولی سایر طبقات وراثت کلاً یا بعضاً موجود نباشد، دو ثلث سهم طبقات مفقوده به ذریه و ثلث آن به بیت العدل راجع است.
- اگر از طبقات مصرحه در کتاب کسی باقی نباشد، دو ثلث از ارثیه به اولاد برادر و خواهر متوفی و در صورت فقدان آنها سهم مذکور به عمه و خاله و دایی و عمو راجع است و اگر آنها در قید حیات نباشند، به فرزندان آنان می‌رسد و در هر حال ثلث باقی‌مانده به بیت العدل راجع است.
- اگر هیچ‌یک از وراثت فوق الذکر موجود نباشند، تمام ماترک به بیت العدل راجع می‌گردد.
- دار مسکونه و البسه مخصوصه پدر فوت شده به ذریه ذکور راجع می‌شود نه به ذریه اناث. اگر بیوت مسکونه متعدّد باشد، اعلی و اشرف آن به ذریه ذکور تعلق می‌یابد و سایر بیوت و ماترک شخصی متوفی بین وراثت تقسیم می‌شود. اگر ذریه ذکور نداشته باشد، دو ثلث دار مسکونه و البسه مخصوصه‌اش به ذریه اناث و یک ثلث به بیت العدل راجع می‌گردد. در مورد ماترک مادر، البسه مستعمله باید بالسویه بین دخترانش تقسیم شود و اگر دختری از وی باقی نمانده باشد البسه غیرمستعمله و جواهرات و املاک مشاراً الیهها باید بین وراثت او تقسیم گردد؛ همچنین البسه مستعمله.

- اگر اولاد شخص متوفی صغیر باشد، سهمشان باید برای تجارت و اقتراف به شخص امینی و یا شرکته سپرده شود تا اولاد مزبور به سن بلوغ برسند. سهمی از منافع حاصله باید به شخص امین یا امناء مذکور تخصیص داده شود.
  - ماترک متوفی نباید بین ورثات تقسیم شود مگر بعد از اداء حقوق الله و تأدیة دیون متوفی و مصارف تشییع و تدفین میت به عزت و احترام.
  - در صورتی که برادر متوفی برادر آبی باشد، سهم کامل مذکور در کتاب به او تعلق می‌گیرد؛ اما اگر از پدر جدا باشد، فقط دو ثلث سهم مذکور به او تعلق می‌گیرد و ثلث بقیه به بیت‌العدل راجع است. این حکم درباره‌ی خواهر متوفی نیز جاری است.
  - در مواردی که برادران و خواهران آبی و امی حیات داشته باشند، برادران و خواهران امی سهمی از ارثیه نمی‌برند.
  - معلّم غیر بهائی ارث نمی‌برد و اگر معلّم متعدّد باشد، سهم معلّم بالسویّه میانشان تقسیم می‌شود.
  - ورثه غیر بهائی از ارث سهم نمی‌برند.
  - هر آنچه زوج به نام زوجه‌اش خریده باشد، باید جزء مایملک زوج محسوب و بین ورثات قسمت شود مگر البسه مستعمله و جواهرات و غیر آن که به اثبات معلوم شده باشد که زوج به زوجه بخشیده است.
  - هر شخصی مختار است هر نوع می‌خواهد وصیت‌نامه نوشته مایملک خود را تقسیم کند، مشروط بر آن که قراری برای اداء حقوق الله و پرداخت دیون خود داده باشد.
- حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ در آیه ایام مالک فبریق مجاز نخواهد بود که جمیع اموال خود را برای عائله خود به جای بگذارد. قانونی وضع خواهد شد شبیه این که او باید فقط یک ربع از اموال خود را به عائله‌اش واگذار نماید و سه ربع دیگر باید به عمال فبریق، که موجد مکتب و ثروت او بوده‌اند، ادا گردد. □ (ترجمه — نجم باختر، سال هشتم، شماره 1، ص 11)

#### 43. حقوق الله

توصیه می‌شود خوانندگان عزیز برای مطالعه تفصیل مطالب مربوط به حقوق الله به مجموعه تهیه شده توسط دارالتحقیق بیت‌العدل اعظم با همین عنوان مراجعه نمایند.

حضرت بهاء الله می‌فرماید: □ آنچه در دنیاست قابل ذکر نبوده و نیست، و لکن اگر نفسی فائز شود و در سبیل الهی یک درهم او اقلّ انفاق نماید عندالله از کنوز اولی و اقدم بوده و هست. این است که حقّ جلّ جلاله عاملین و منفقین را در جمیع کتب خود ذکر فرموده. از حق بخواهید که کلّ را مؤید فرماید بر ادای حقوق. چه که به اسباب امر مرتفع می‌شود و ظاهر می‌گردد. اگر عباد مقام اعمال را در این ایام بدانند، کلّ به آنچه سزاوار است عامل شوند. الأمرُ ببیده یحکم کیف یشاء و هو الحاکم البادل العادل المبین الحکیم. □ (جزوه حقوق الله، شماره 1)

و نیز می‌فرماید: □ ادای حقوق بر کلّ واجب و نفع آن به نفس عباد راجع؛ ولکن قبول آن معلّق است به رُوح و ریحان و رضای نفوس عادلّه عامله. در این صورت اخذ جایز و الا فلا. إنّ رَبِّكَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ. □ (همان، شماره 4)

و نیز از قلم اعلیٰ نازل: □ فی الحقیقه امر حقوق الهی امر بزرگی است. بر جمیع ادای آن لازم. چه که اوست سبب نعمت و برکت و خیرات و ما یكون مع کلّ نفسٍ فی کلّ عالمٍ من عوالم رَبِّهَا الْغَنِيُّ الْكَرِيمُ. □ (گنجینه حدود و احکام، ص 103)

و نیز از قلم اعلیٰ نازل: □ به عزّت امر ناظر باش و بما تنجذب به الأفئدة و العقول تکلم نما. مطالبه حقوق ابدأ جایز نبوده و نیست. این حکم در کتاب الهی نازل لأجل بعضی امور لازمه که من لدی الحق به اسباب مقدّر شده. اگر نفسی به کمال رضا و خوشوقتی، بلکه به اصرار، بخواهد به این فیض فائز شود قبول نماید. و الا فلا. □ (گنجینه حدود و احکام، ص 105)

در رساله سؤال و جواب (شماره 89) چنین مذکور:

□ سؤال: در الواح الهیه نازل شده هرگاه کسی مالک شود معادل نوزده مثقال ذهب را باید حقّ الله را از آن ادا نماید. بیان شود از نوزده چه قدر داده شود.

جواب: حکم الله در صد نوزده معین شده. از آن قرار حساب نمایند معلوم شود بر نوزده چه مقدار تعلق می‌گیرد. □ (ملحقات کتاب اقدس، طبع مرکز جهانی، ص 69)

و نیز در لوح سمندر از قلم اعلیٰ نازل: □ و اما درباره حقوق الله؛ نصاب آن عدد واحد است. یعنی هر نفسی اگر دارای نوزده مثقال ذهب شود و یا اشیائی که به این قیمت برسد، بعد از وضع مؤنه سنه [مخارج سالیانه]، حقوق بر آن تعلق می‌گیرد و ادای آن واجب. □ (گنجینه حدود و احکام، ص 95)

و نیز از قلم اعلیٰ نازل: □ و از برای حقوق الهی قرار یست معین. بعد از تحقّق بیت العدل، علی ما اراده الله حکم آن ظاهر می‌شود. □ (جزوه حقوق الله، شماره 59)

و نیز جمال مبارک می‌فرماید: □ این که اراده زیارت بیت نمودید نزد مظلوم مقبول و محبوب است، ولکن اگر به روح و ریحان واقع شود و مغایر حکمت نباشد. بگو یا قوم، اول امر عرفان حقّ جلّ جلاله و آخر آن استقامت و بعد تطهیر مال و ما عند القوم بما أمر به الله بوده. لذا باید اول حقوق الهی ادا شود و بعد توجه به بیت. محض فضل این کلمه ذکر شد. □ (امر و خلق، ج 4، ص 135)

و از قلم اعلیٰ نازل: □ حقوق الله را به هر نفسی نمی‌توان داد. این کلمه حقّ بوده. باید حقوق الله نزد نفوس امینه جمع شود و بعد به ید امنای الهی به ساحت اقدس ارسال گردد. □ (جزوه حقوق الله، شماره 58)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ در خصوص حقوق سؤال نموده بودید. انسان در ظرف یک سال آنچه منفعت کند، باید مصارف سالیانه خود را منها کند. پس، از آنچه که زیادی مانده درصد نوزده حقوق بدهد. یعنی شخصی در ظرف یک سال از تجارتش هزار لیره منفعت برده؛ مصارف سالیانه خویش را که ششصد لیره باشد، منها می‌کند. چهارصد لیره زیادی دارد. حقوق بر این چهارصد لیره تقرّر حاصل می‌شود. یعنی باید از چهارصد لیره از هر صدی نوزده لیره، که جمعی هفتاد و شش لیره می‌شود به جهت مصارف خیریه حقوق بدهد. بر جمیع اموال هر سال حقوق تعلق نیابد. شخصی شاید صد هزار لیره اموال دارد. نمی‌شود هر سال از این صد هزار لیره حقوق بدهد. شما مثلاً باید آنچه در سال منفعت می‌نمائید خرج سالیانه خویش را منها کنید. آنچه فضله می‌ماند حقوق بر آن تعلق می‌گیرد. اما مالی که سال گذشته حقوقش داده شده است امسال دیگر حقوق بر آن تعلق نیابد. □ (جزوه حقوق الله، بخش ب، شماره 5)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ حقوق بر جمیع مایملک تعلق می‌گیرد، ولیکن اگر شخصی حقوق بر ملکی را ایفا نموده و واردات آن ملک به قدر احتیاج او است دیگر بر آن شخص حقوق ترتیب نیاید. بر آفات و ادوات زراعت، حتی حیوانات حرث<sup>(1)</sup>، به اندازه‌ای که لزوم است، حقوق ترتیب نگردد. □ (گنجینه حدود و احکام، ص 98 / جزوه حقوق‌الله، بخش ب، شماره 8)

(1) حیوانات حرث: گاو و خر و یابو که برای شخم زدن یا خرمن‌کوبی به کار گرفته می‌شوند.]

حضرت ولی‌امرالله می‌فرماید: □ اما در خصوص حقوق‌الله ... تعلق آن به مال‌التجاره و ملک و عایدات است که بعد از مخارج لازمه، آنچه فایده حاصل شود و بر مایه افزوده گردد، باید حقوق آن داده شود و چون یک مرتبه حقوق ادا شد دیگر بر آن تعلق نمی‌گیرد مگر آن‌که آن مال از شخصی به شخص دیگر رسد و اما بیت و اسباب بیت حقوق تعلق نمی‌گیرد ... اما در خصوص حقوق‌الله، حقوق الهی راجع به مرکز امر است. □ (جزوه حقوق‌الله، بخش ج، شماره 1)

#### 44. بحران عظیم اقتصادی

حضرت ولی‌امرالله می‌فرماید: □ بحران عظیم اقتصادی، عواقب بزرگترین بلایی که تا به حال بشر تجربه کرده است و اضمحلال نظامی که معاهده و رسای به وجود آورده بود، احیاء میلیتاریسم به بدترین وضع ممکن، عدم موفقیت تجارب مفصل، شکست مؤسسات نوزادی که برای حفظ صلح و آسایش مردمان و طبقات و ملل به کار گرفته شده بود، همه سبب یأس و حرمان و تضعیف روحیه اهل عالم گردید و امید و نشاط جهانیان را نابود ساخت و زندگیشان را مشوش و اتحاد بین‌المللی را زائل ساخت. □ (نظم جهانی بهائی، ترجمه هوشمند فتح اعظم، ص 140)

#### 45. رقابت

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ در عالم طبیعت موجودات زنده را در تنازع بلاوقفه برای بقا مشاهده می‌کنیم. همه‌جا با شواهدی از بقای آنسب عنصری مواجه می‌شویم. این همان منشأ خطا و سوء ادراک در عقاید و نظریه‌های نفوسی انسانی است که متوجه نیستند عالم طبیعت ذاتاً از لحاظ علت و معلول ناقص است و نقائص آن باید با تربیت رفع شود. □ (ترجمه — خطابه 7 نوامبر 1912 مندرج در *The Promulgation of Universal Peace*، ص 400)

و نیز می‌فرماید: □ در طبیعت نزاع بقا است. اگر انسان تربیت نشود، از مقتضیات طبیعت نزاع و جدال است. جمیع این مکاتب، این همه مدارس، به چه جهت تأسیس می‌شود؟ به جهت این‌که انسان از مقتضای طبیعت نجات یابد، از نقائص طبیعت خلاص شود؛ کمالات معنویّه پیدا کند. □ (خطابات مبارکه، ج 2، ص 274)

و نیز می‌فرماید: □ آیا جائز است خود را اسیر طبیعت نماییم؟ به موجب انبعاثات طبیعی که نزاع بقا است، مانند حیوانات درنده همدیگر را بدریم؟ نوعی زندگانی کنیم که فرقی مابین انسان و حیوان نماند؟ □ (خطابات مبارکه، ج 2، ص 275)

#### 46. نظم و تعادل عالم

حضرت بهاء‌الله می‌فرماید: □ قد اضطرب النظم من هذا النظم الأعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الإبداع شبهه. □ (کتاب اقدس، بند 181)

و نیز می‌فرمایند: □ قُلْ هَذَا لَقِسطاس الّهْدی لِمَنْ فی السّموات و الأرض و البرهان الأعظم لو أنتم تعرفون. □ (کتاب اقدس، بند 183)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: □ اقتصاد اساس کامرانی و رفاه بشری است. آدم و لخرج همیشه در زحمت است. اسراف و تبذیر، از طرف هر کس، گناه نابخشودنی است. ما هرگز نباید مانند گیاهان طفیلی زندگی کنیم. هر کس باید شغلی، چه فکری و چه بدی، داشته باشد و به پاکی و آزادگی، محترم و شرافتمندانه زندگی کند به طوری که سرمشق دیگران گردد. هرگاه شخصی با یک گرده نانی خشک قناعت کند و راضی باشد به درجات بهتر از آن است که غذایی شاهانه و مفصل داشته ولی پول آن از جیب دیگران آمده باشد زیرا فکر و روح شخص قانع همیشه آرام و قلبش مستریح است. □ (نقل ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء از "بهاءالله و عصر جدید"، طبع برزیل، ص 118)

\*\*\*\*\*

۱

گرچه بعضی اصول هدایت‌کننده در آثار مبارکه بهائی در خصوص اقتصاد وجود دارد، اما این اصول به هیچ‌وجه کلّ رشته اقتصاد نظری و عملی را تحت پوشش قرار نمی‌دهد و عمدتاً مقصود از آن‌ها هدایت بیشتر برای متخصصان و نویسندگان اقتصادی بهائی است تا نظامی اقتصادی را ابداع نمایند که در انطباق تامّ با روح و مفاد آثار مبارکه امرالله در این زمینه و مواضع مشابه عمل نماید. بیت‌العدل عمومی با مشورت متخصصین اقتصادی، در آتیه ایام به تدوین و ابداع نظام اقتصادی آینده بهائی مساعدت خواهد کرد. (ترجمه — مکتوب 10 ژوئن 1930 از طرف حضرت ولی‌امرالله به یکی از احباء، انوار هدایت، شماره 1862)